

اجلاس غیرمتعهدها خواهان قطع جنگ ایران و عراق شد

خامنه ای و مصوبه کنفرانس رانسی پدیریم

خود را از آغاز و ادامه محاصره بین دو کشور که از اعضای مهم جنبش عدم تعهد به شمار می روند، ابراز داشتند.

۳- بدین لحاظ، سران کشورها و دولت ها بار دیگر از ایران و عراق درخواست می نمایند به منظور جلوگیری از ادامه تلفات جانی و خسارات مالی، دست از محاصره بردارند. آن ها بار دیگر متعهد شدند که کلیه تلاش های خود را برای خاتمه سریع این درگیری اسف بار، به کار گیرند.

پیش نویس مصوبه از سوی زیمبابوه

تهیه شد

همانگونه که در "اکتریت" شماره ۱۲۲ خاطرنشان ساختیم، جنبش کشورهای غیرمتعهد، از همان آغاز جنگ ایران و عراق، خواهان قطع این جنگ گردید و تلاش هایی را نیز به منظور پایان دادن به آن سازمان داد. از جمله، هیئت هایی از جانب جنبش به تهران و بغداد سفر کردند و پیشنهادهایی نیز در جهت برقراری آتش بس و صلح مطرح ساختند. در سال های اخیر، کوشش های جنبش عدم تعهد نیز مانند سایر تلاش های بین المللی برای پایان دادن به جنگ، قبل از همه به علت پافشاری رژیم خمینی بر ادامه آتش افروزی در منطقه، بی ثمر ماند.

در آستانه اجلاس اخیر نیز همانند همه موارد بقیه در صفحه ۹

هشتمین اجلاس سران کشورها و دولت های جنبش غیرمتعهدها که در حراره پایتخت زیمبابوه برگزار شد، در مصوبه ای خواهان قطع جنگ ایران و عراق گردید. این مصوبه که از سوی کمیته سیاسی اجلاس حراره به کنفرانس سران ارائه و مورد تأیید آن واقع شد، شامل سه بند و بدین شرح است:

۱- سران کشورها و دولت ها، در رابطه با جنگ ایران و عراق، کاربرد اصل عدم توسل به زور در روابط بین الملل را مورد تأکید قرار دادند.

۲- در این چارچوب، آن ها مراتب تأسف عمیق

مجازات "تمرد از نظام" برای زنان

اردوگاه ویژه زنان نتایج مورد نظر فقهار اهبانیاورده است

ناگزیر به یک کام عقب نشینی شده و از به رسمیت شناختن این طرح، صرف نظر کردند. مقتدایی، سخنگوی شورای عالی قضایی در این زمینه گفت: "مساله اردوی کار در شورا مطرح شد، ولی با توجه به تجارب خودمان در زمینه زندانها و موارد دیگر، به این نتیجه رسیدیم که تأیید این طرح به مصلحت نیست." (زن روز ۲۵ مرداد)

علاوه بر عامل فوق، مخالفت جهانی با ایجاد اردوگاه ویژه زنان در ایران، از جمله عواملی بود بقیه در صفحه ۲

اکتریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۶۵ برابر ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۶
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۲۴

سه ماه پیش بود که هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، طرح رژیم فقهار را برای ایجاد اردوگاههای ویژه برای زندانی ساختن زنانی که به اتهام عدم رعایت حجاب تمام عیار اسلامی و شعار ملامی دستگیر می شوند، اعلام داشت. به دنبال اعلام رسمی این طرح، پاسداران و اوباشان رژیم در طول تابستان، برای دستگیری زنان تلاش گسترده ای به کار بستند. آنها برای تحمیل کامل ضوابط فوق ارتجاعی رژیم فقهار در مورد پوشش به زنان، در خیابانهای شهرهای کشور، به دوره افتادند. این اوباشان علاوه بر کار بست تمام روشهای رذیله پیشین، از قبیل ضرب و شتم زنان، اسید پاشی، تیغ کشی، شلاق زدن و... زنان رهگذر را دستگیر ساخته و در کمیته ها، پس از تهدید به اعزام به اردوگاه ویژه، آنان را مجبور به پرداخت جرائم نقدی سنگین می کردند.

این هرزگی های مامورین چاق کش و تفنگ به دست جمهوری اسلامی، نتوانست نتایج مورد نظر را برای سرکردگان رژیم بهار آورد. ابراز گسترده انزجار عمومی که به دفعات به شکل مقاومت زنان در خیابانها در برابر پاسداران و بدید آمدن درگیری های شدید تجلی یافت، نمی توانست توسط فقهار نادیده گرفته شود. از این رو رهبران رژیم

شیلی:

دست و بازدهای دیکتاتوری و اراده خلق

در صفحه ۶

در این شماره

• به پادارانندگان آتشها

در صفحه ۲

• حمله به سینه پاریس را محکوم می کنیم

در صفحه آخر

• قلعه حسن خان: پیکره فلاکت

در صفحه ۱۰

• انسانها را باور و گن!

از: ناظم حکمت

در صفحه ۸

رقمهایی فاجعه بار:

بیش از ۵۱ شهر

۳۰۹۱ روستا و

۱۱۸۰۰۰ واحد

مسکونی و

اقتصادی ویران

اندکی بر روی عکس بالا تأمل کنید. به گفته مسئول ستاد "بازسازی" جنگ در ۹ مهر ۱۳۶۴، ۵۱ شهر و ۲۰۹۱ روستای کشور بدین صورت درآمده است؛ سوخته و ویران! بر این ارقام فاجعه بار، در طی یک سال گذشته بازهم افزوده گشته است و قرار است بازهم افزوده گردد. صدها هزار کشته، صدها هزار مجروح و معلول، میلیون ها جنگ زده و آواره، صدها میلیارد دلار خسارت، محصول جنگ کثیف و خونینی است که اکنون پایه هفتمین سال حیات فاجعه بار خود می گذارد. همه روزه پرنده های آهنین مرک سینه آسمان هر دو کشور را می شکافند و گره نابودی و ویرانی بر خاک می پاشند؛ انسان های بی شماری را از پای درمی آورند، صنایع و تاسیسات اقتصادی را درهم می کوبند و بر کشتزارها، بدر آتش می کارند...

* * *

در سال گذشته حمله به تاسیسات اقتصادی به موازات یورش به مناطق مسکونی و غیرنظامی، نسبت به سالیان قبل حدت بیشتری یافت. در این سال حمله به تاسیسات غیرنظامی به سیاست رسمی و جاری هر دو رژیم درگیر جنگ بدل شد. در این سال، هر دو رژیم سخت کوشیدند تا چرخ های اقتصادی، یکدیگر را از حرکت بازدارند و اقتصاد "حریف" را فلج کنند. چنین بقیه در صفحه ۲



بقیه از صفحه اول

شد که ابعاد تخریب و ویرانی طی این سال از شمار بیرون رفت. چنان که اکنون دیگر کنترل و محاسبه و یا تخمین خسارات وارده به غایت دشوار شده است.

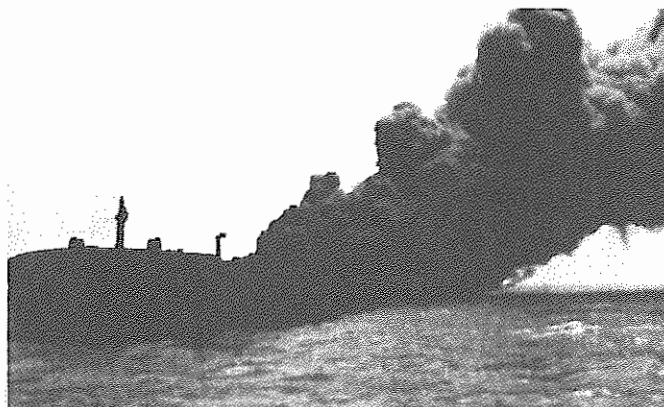
رژیم عراق در سال گذشته بارها اعلام کرد که برای بازداشتن اربابهای جنگی رژیم خمینی از حرکت، قصد دارد با گسترش حمله به تأسیسات اقتصادی، اقتصاد ایران را فلج سازد، و رژیم خمینی که به شکلی دیوانه وار در آتش توسعه طلبی و کشورگشایی می سوزد، نیز بارها اعلام کرد که از همه توان خود برای درهم شکستن صنایع عراق بهره خواهد گرفت. ویرانی و تخریب برون از حد، ارمغان شوم رقابت جنون آمیز و کثیف هر دو رژیم است. چنین بود که در سال گذشته بر پالایشگاه تهران، پالایشگاه تبریز، پایانه نفتی خارک، پایانه نفتی سیری، جزیره لاوان، تلمبه خانه نفتی اهواز، مارون و گناوه، دهها نفتکش بزرگ، سد دزفول، کارخانه واکن پارس در اراک، کارخانه نورد اهواز، تأسیسات مخابراتی اسدآباد و... عفریت جنگ پنجه افکند و خسارات جانی و مالی فراوانی به بار آورد.

اقتصاد جنگ زده

اقتصاد ایران، یک اقتصاد جنگ زده است. ۲۰ درصد کل بودجه کشور در سال مستقیماً صرف مقاصد جنگی می شود. در سال جاری ۱۲/۵ درصد بر بودجه جنگی افزوده شده است. بخش اعظم امکانات دولتی به جنگ اختصاص یافته است. در سال ۶۲ که هنوز سیچ تمام عیار اعلام نشده بود، رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که پنج هفتم اعتبارات عمرانی کشور صرف امور جنگی می شود (الاملاعات ۶۲/۷/۲).

اخیراً نخست وزیر رژیم رسماً اعلام کرد که دولت در مصرف اعتبارات ارگانهای غیر نظامی دولتی برای تأمین بیشتر هزینه های جنگ، ۶۰ میلیارد تومان "صرفه جویی" کرده است. این دیگر "صرفه جویی" در صرفه جویی است. چرا که دولت پیش از این، به هنگام تهیه و تصویب لایحه بودجه سال ۶۵، اعتبارات عمرانی و سایر هزینه های جاری را تا حد مقدور چلانیده بود تا رقم بودجه جنگی بتواند هر چه درشت تر باشد.

تأخیر ارزی دولت بنابه اعتراضات تلویحی مقامات رژیم ته کشیده است. امروزه رژیم برای تأمین ارز، به خرید نسبه (یوزانس) روی آورده است که بی گمان نوعی اخذ وام



حمله به نفت کش ها، در دریاها نیز آتش، چنگ شعله ور است

پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۵، از ۱۶ میلیارد دلار تا حد ۶ میلیارد دلار کاهش یافت. رژیم خمینی در پی کاهش درآمد ارزی، با تأکید بر اولویت جنگ، سیاست اخذ بی رویه مالیات و عوارض از توده های ستمکش میهن و همچنین سیاست کاهش

از کشورهای خارجی محسوب می شود. خرید نسبه هم اینک در بسیاری از صنایع کشور جاری است و خود مسئولین رژیم قادر به لاپوشانی این حقیقت نیستند. اما پیوندهای خرید نسبه جنگ افزار هنوز محرمات مانده

رقمهایی فاجعه بار :

بیش از ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی و اقتصادی ویران

شدید واردات کالاهای اساسی را دنبال کرد. در سیاست "صرفه جویی" دولت تنها جنگ و جنگ افزار مستثنی شد. رژیم از همه چیز برای جنگ زد، وسایل بهداشتی، مواد غذایی، مواد اولیه صنایع، قلیعات یدکی و... هیچکدام از یورش "اساک جویانه" رژیم در امان نماندند. تعقیب این سیاست از سوی رژیم خمینی، نه تنها کدگران زندگی مردم را در سایه حاکمیت ولایت فقیه به سختی دشوار

است. ولی برآورد اولیه نشان می دهد که حجم معامله با قاچاقچیان بین المللی اسلحه فراتر از ۲۰ میلیارد دلار است. بدیهی است که صرف این مقدار ارز، خریدهای مستقیم سلاح از کشورهای امپریالیستی و یا اقماری آنها را در بر نمی گیرد.

جنگ زدگی اقتصاد کشور با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهان در اواخر سال ۶۴، دو چندان شد. بنابه اعترافات رژیم، درآمد ارزی



پالایشگاه آبادان

اکنون از این پالایشگاه تنها تلی از آهن قراضه بر جای مانده است

ساخت، بلکه رژیم با این سیاست به تخریب آن بخش از صنایع کشور پرداخت که از حملات هوایی عراق در امان مانده بودند. پی آمد این سیاست خطر بیکاری روزافزون مردم میهنان است. خود مسئولین رژیم جمهوری اسلامی اعتراف کرده اند که بیش از ۲ میلیون کارگر در معرض خطر بیکار شدن قرار دارند.

درشت ترین رانم ها

بنابر گزارش کمیسیون اقتصادی دولت تا ابتدای سال ۶۲ بر اثر جنگ به بخش کشاورزی ۲۲۵۷ میلیارد ریال، به بخش صنایع ۶۶۲ میلیارد ریال، به بخش نفت ۴۲۰۲/۸ میلیارد ریال، به بخش نیرو ۳۰۰/۸ میلیارد ریال و بخش ارتباطات و کمرک های کشور ۱۷۸/۵ میلیارد ریال خسارت وارد شده است. در سه سال گذشته این ارقام بسی درشت تر شده اند. اکنون درشت ترین رقم هادر آمار اقتصادی ایران، به رقم های مربوط به خسارات جنگی اختصاص دارند.

کل خسارات اقتصادی ناشی از جنگ در ایران را، دست کم ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین می زنند. سهم هر شهروند ایرانی از این خسارات بالغ بر ۶۰۰۰ دلار است. هزینه مستقیم جنگ بدون احتساب خسارت هادر ۶ سال گذشته بر ۶۰۰۰ میلیارد ریال، بالغ بوده است. از کف هر ایرانی به طور متوسط ۱۵۰۰۰ ریال ریوده اند تا این هزینه تأمین گردد.

جنگ اگر هم امروز نیز متوقف گردد، جبران خسارات ناشی از آن سال های سال بر پنجه زحمتکشان کشور ما پیچیده خواهد انداخت. اگر واردات کشور بطور کامل قطع شود و تمام عواید ناشی از صدور و فروش نفت به امر ترمیم ضربات وارده بر اقتصاد کشور، اختصاص یابد، ۲۵ سال طول می کشد که ما در عرصه های مادی خسارت دیده به همان جایی برسیم که در سال ۵۹ بودیم.

اما خمینی همچنان می گوید که باید جنگید، حتی اگر ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد. نفرت مردم از جنگ، این صدای شوم را در گلویشان بقیه جانی خفه خواهد کرد. این رجزخوانی تنها بیانگر آن است که خمینی کشور را بیش از آنچه که ویران ساخته است، ویران می خواهد. بیش از ۵۱ شهر، ۳۰۹۱ روستا و ۱۱۸۰۰۰ واحد مسکونی، تجاری و صنعتی ویران و سوخته و صدها هزار کشته و زخمی و معلول توانسته است جنون جنگ طلبی خمینی را ارضا کند.

در سالگرد به خون نبیدن رفقا محمد رضا غبرایی و جهانگیر بهتاجی

به یاد ارندگان آتش‌ها

در آبان ماه سال گذشته بود که خبر اعدام رفقا محمد رضا غبرایی و جهانگیر بهتاجی اعلام شد، خبر اعدام دوتن دیگر از خیل دل به دریا افکنان، به یاد ارندگان آتش‌ها، آنانی که زندگانشان "دشادوش مرک" و "پیشاپیش مرک" است.

رژیم آنان را در اواخر تابستان سال گذشته به جوخه آتش سپرده بود. اعدام آن‌ها بی‌اتکریاس جلادان بود. نتوانسته بودند آنان را بشکنند. سینه‌شان را با شلاق، شرحه شرحه کرده بودند، اما قادر نگشتند از درون سینه‌شان کنجینه اسرار خلق را بیرون بکشند.

رفیق غبرایی (منصور)، عضو مشاور هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان بود. او را در اسفندماه ۱۳۶۰ دستگیر کرده بودند. ۴۲ ماه شکنجه و آزار نتوانست در اراده استوار این فدایی رزمنده و پیگیر خللی وارد سازد. با اعدام رفیق غبرایی جنبش کمونیستی ایران یک کادر آیدیده و قدیمی و سازمان مایکی از اعضای ارجمند رهبری خود را از دست داد. در خون تهیدن او ضایعه‌ای تاسف بار بود اما بیش از هر چیز بیانگر

پیروزی رزمندگی و اراده فداییان در برابر تمام ددمنشی‌های دژخیمان بود. رفیق جهانگیر بهتاجی در سازمان ما مسئولیت خطیر بخش انتشارات را برعهده داشت. پیگیری، پشتکار و نظم او، او را به چنین جایگاه پرامیثی رسانده بود. او در زندان همان "جهان" پیگیری‌هایی ماند. پیگیر در عرصه وفاداری به سازمان، وفاداری به خلق، وفاداری به تعهد خطیر حفظ اسرار خلق. او نیز هم چون رفیق غبرایی ماه‌ها زیر شکنجه قرار داشت. اما لب ننگشود مگر برای ابراز نفرت نسبت به رژیم جنایت‌پیشه خمینی. وصیت نامه او شعری که وی در حاشیه آن نوشته است (اکثریت شماره ۹۰) بیانگر روحیه رزمنده این فدایی نمونه تا آخرین لحظات حیات است. او سرفراز و استوار در برابر جوخه مرک قرار گرفت. پیش از قرار گرفتن در برابر جوخه اعدام با امیدواری تاریخی خاص کمونیست‌ها به زندگی، به زندگی جاری و به آینده درود فرستاد. او در کنار وصیت‌نامه خود نوشت:

درد بر نفس زندگی که پاینده است!

شعرهای ایران

خطابه تدفین

احمد شاملو

غافلان
همسازند،
تنها توفان
کودکان ناهمگون می‌زاید.

همساز
سایه سنانند،
محتاط
در مرزهای آفتاب.
در هیأت زندگان
مرد گانند.

وینان
دل به دریا افکنانند،
به پای دارنده آتش‌ها
زندگانی
دشادوش مرک
پیشاپیش مرک
هماره زنده از آن سپس که بامرگ
و همواره بدان نام
که زیسته بودند،

که تباهی
از درگاه بلند خاطره‌شان
شرمسار و سرافکنده می‌گذرد.

کاشفان چشمه
کاشفان فروتن شوکران
جویندگان شادی
در مجرای آتشفشان‌ها

شعبده بازان لبخند
در شبکاه درد
با جاپائی ژرف تراز شادی
در گذرگاه پرندگان.

در برابر تندر می‌ایستند
خانه را روشن می‌کنند.
ومی‌میرند.

اردیبهشت ۵۴

مجازات "تمرد از نظام" برای زنان

بقیه از صفحه اول
فقا را به در در ساخت دربی اعلام این طرح، از سوی نیروهای مرفقی و سازمانهای زنان در کشورهای مختلف جهان، بیانیهای اعتراضی متعددی صادر شد و نامه‌های بسیاری نیز برای مسئولین رژیم جمهوری اسلامی، ارسال گردید.

در افشای این طرح بربرمنشانه رژیم و جلب همبستگی جهانی با زنان ایران، فعالیتهای گسترده فدائیان خلق در خارج کشور، جای برجسته‌ای دارد. آشفته‌گی خاطر سرکردگان رژیم از مجموعه این تلاشها را فخرالدین حجازی، نماینده مجلس، با این جمله بیان داشت: "این اردوی کار باز ایجاد عیاهو در خارج می‌کند" (زن روز-۱۸ مرداد)

جمهوری اسلامی اگر چه نتوانسته است طرح ایجاد اردوگاه ویژه زنان را رسیت ببخشد، اما برای اعمال محدودیت هر چه بیشتر برای

برای تحمیل کامل مقررات اسلامی مورد نظر فقهای زنان در زمینه نوع پوشش و سرکوب مقاومت زنان،



اکنون رژیم بر آن شده است که مجازات سنگین دیگری را علیه زنان میهن ما، به کار گیرد. مطابق این

طرح، زنانی که بنا بر تشخیص پاسداران و قضات شرع، بدحجاب باشند، متهم از نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند و متناسب با این جرم، مجازات می‌گردند. این طرح تازه توسط میرلوحی، یکی از مسئولین کمیته از طریق نشریه زن روز (اول شهریور) اعلام شده است. وی گفته است: "ما هم طرحی داریم و پیشنهاد کرده‌ایم. براساس این پیشنهاد اگر از این پس کمیته اشخاص بدحجاب باید لباس را بگیرد، برای آنها پرونده‌ای می‌سازد. احوال خانواده و نسب شخصی را پیگیری می‌کند و سپس مسئله در هیات عالی رسیدگی به تخلفات، بعنوان تمرد از نظام مطرح می‌شود."

بنابراین، جرم زنان "بدحجاب" مریدف با جرایم مربوط به براندازی می‌شود. رژیم با این ترادف چه نیکیو چاره کار را هم نشان می‌دهد، نظام را براندازید، اگر می‌خواهید به این تحمیلات پایان داده شود!

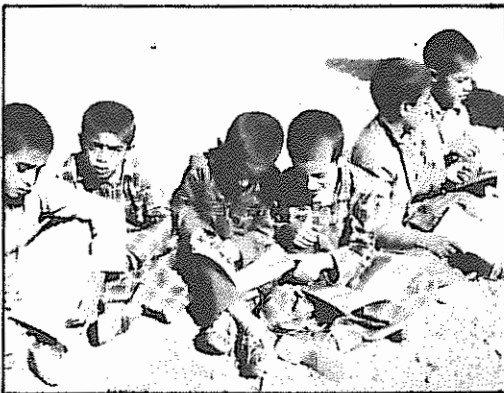
افزایش بهای نفت

برگزار خواهد شد. در این اجلاس نتایج حاصله از کاهش صادرات نفت اوپک مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. باید خاطرنشان ساخت که کشورهای اتحاد شوروی، چین، مالزی، مکزیک، مصر، عمان، آنگولا و نروژ نیز از میزان صادرات نفت خود کاسته اند.

کاهش تولید و صادرات نفت در بازارهای جهان باعث افزایش نسبی بهای این کالا گردیده است. براساس آخرین اخبار رسیده نفت خام دبی و نفت خام سبک تگزاس برای تحویل در ماه اکتبر به ترتیب به ۱۳/۶۵ دلار و ۱۵/۹۰ دلار از برای هر بشکه افزایش یافته است.

کشورهای عضو سازمان صادرکننده نفت اوپک طبق تصمیم آخرین اجلاس این سازمان، از روز دهم شهریور ماه از میزان تولید و صادرات نفت خود کاستند. براساس مصوبه آخرین اجلاس اوپک، کشورهای عضو مؤلف شده اند میزان صادرات نفت خود را منهای میزان سهمیه تعیین نشده عراق، به ۱۴/۷ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. آقازاده وزیر نفت جمهوری اسلامی اعلام کرد که به منظور جلوگیری از تخطی هر یک از اعضا از مصوبه و سهمیه های تعیین شده از سوی اجلاس، "میزان تولید، صادرات و حتی ثبت نام کشتی ها در بنادر کشورهای عضو دقیقاً کنترل خواهد شد." لقمان رئیس اوپک نیز اعلام کرد که اجلاس بعدی این سازمان در ماه اکتبر

نوشت افزار در بازار سیاه



کمتر از یک هفته به آغاز سال تحصیلی جدید مانده است. کمبود دفتر و نوشت افزار بشدت احساس می شود. براساس طرح جدید وزارت آموزش و پرورش، به هر دانش آموز یک خودکار، یک مداد، یک مداد تراش و تعداد محدودی دفتر تحویل داده خواهد شد. سهمیه بندی دفتر و نوشت افزار باعث کرانی سرسام آور این اقلام در بازار سیاه شده است. رژیم بواسطه مشکلات ارزی، از واردات لوازم التحریر نیز بشدت کاسته است. کمبود لوازم التحریر بدنبال کمبود کتاب های آموزشی، بدنبال کمبود کادر آموزشی و مدارس، به دنبال تخلیه های مکرر اماکن آموزشی و مدارس، به حق نگرانی والدین دانش آموزان رادامن زده است.

روند مناسبات اقتصادی با ایتالیا

مشترک وزیران دو کشور در آینده نزدیک، بازمه زمینه این همکاری ها گسترده تر شود. "باید خاطرنشان ساخت که همکاری دو کشور ایتالیا و جمهوری اسلامی ایران به پروژه فولاد مبارکه محدود نمی شود و ایتالیا در پروژه های احداث سد، پالایشگاه گاز کنتان و احداث نیروگاه های برق اصفهان و بندرعباس نیز فعالیت دارد.

حجم مبادلات دو کشور جمهوری اسلامی و ایتالیا در سال ۱۹۸۴ بالغ بر دو میلیارد و شصت میلیون دلار بود که به علت کاهش قیمت نفت در سال ۱۹۸۵، ۱۹/۹۰ درصد کاهش یافت.

اطلاعات ۹ شهریور - "جوزپدراتی" رئیس انستیتوی تجارت خارجی ایتالیا در ملاقات با کلاهدوز قائم مقام وزارت نیرو گفت: "ایتالیا با انجام فعالیت های مهمی از جمله اسکله سازی در بندرعباس و مجتمع فولاد مبارکه پیوندی ناگسستنی با ایران دارد." نامبرده افزود که حجم مبادلات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایتالیا در سال ۱۹۸۵ بالغ بر دو میلیارد و یکصد میلیون دلار بوده است. قائم مقام وزارت نیرو از وجود "جو تفاعم و حسن نیت" در روابط دو کشور ایران و ایتالیا و اظهار امیدواری کرد، "با تشکیل اولین اجلاس کمیسیون

محدوده آزادی مطبوعات

بخشنامه های ویژه سانسور در روزنامه ها اشاره نمود. سرمقاله نویس اطلاعات در این مقالات از جمله این موضوع را فاش ساخت که به آنان طی بخشنامه ای ابلاغ شده که حق درج هیچ مقاله ای را که به ساخت شورای نگهبان برخورد کند، ندارند. اطلاعات نوشت که در این روزنامه حتی مقاله ای که در آن به شکل محترمانه ای از شورای نگهبان سوالی شده باشد، حق درج ندارد.

پس از سخنرانی ۹ شهریور ماه خمینی که در آن ولی فقیه اظهار کرد که "قلم به دست ما" فقط در حمایت از دولت می تواند آزاد باشند و هیچ کس حق انتقاد ندارد، اعمال سانسور در مطبوعات زیر سانسور جمهوری اسلامی تشدید شد. روزنامه های دولتی در این مورد سرمقاله و تفسیر نوشتند و از این امر استقبال کردند. روزنامه اطلاعات در سلسله مقالاتی که از روز ۱۰ شهریور به بعد در تفسیر سخنرانی تازه خمینی درج کرد ضمن استقبال از تشدید سانسور مطبوعات به

حمله موشکی به بغداد

سپاه پاسداران شنبه شب جمعه یک بار دیگر با موشک زمین به زمین، بغداد را مورد حمله قرار داد. رژیم خمینی مدعی شد که طی این حمله مرکز پلیس مخفی بغداد را منهدم کرده است. این در حالی است که رژیم عراق اعلام کرد موشک به مناطق مسکونی شهر بغداد اصابت کرده و ۲۴ تن از افراد غیرنظامی کشته و تعداد بسیاری از مردم زخمی شده اند. گفته می شود که در میان مجروحین عده بسیاری زن و کودک برده اند. رژیم خمینی حمله موشکی به بغداد را پاسخ به حملات اخیر نیروی هوایی عراق به مناطق مسکونی و مراکز صنعتی اعلام کرد. در هفته گذشته عراق دوبار پالایشگاه تهران و یک نیروگاه سوله برق زار این شهر مورد حمله قرار داد. رادیوی دولتی جمهوری اسلامی ضمن تأیید حمله عراق به شهر تبریز اعلام کرد که طی این حمله عراق به یک مجتمع صنعتی در تبریز، حداقل ۲۰ تن مجروح شده اند. رادیوی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۱ شهریور اعلام کرد که نیروی هوایی عراق دیوار جنوبی شهرهای کرمانشاه، مدان و خرم آباد را شکسته و به یک مجتمع صنعتی در لرستان حمله کرده است. ستاد مشترک جانت اعلام کرد که یک فروند هواپیمای عراقی در حوالی لرستان سقوط کرده و خلبان مجروح آن به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی درآمده است. این خبر از سوی رژیم عراق نیز تأیید شد و عراق مسئولیت جان خلبان اسیر را بر عهده نیروهای جمهوری اسلامی اعلام کرد.

در هفته گذشته حمله به مناطق مسکونی کماکان از سوی هر دو رژیم ادامه یافت. رژیم عراق طی اطلاعیه ای اعلام کرد که در اثر انتشار رویدادهای سنگین جمهوری اسلامی روی شهر بصره، طرف یک ماه گذشته، ۱۴۲ تن از اهالی غیرنظامی کشته و ۴۲۷ تن مجروح شده اند. رژیم عراق طی اطلاعیه های مشابهی طرف مقابل را تهدید به انتقام گیری کرده اند.

در ضمن در هفته گذشته چندین حوزه نفتی و از جمله حوزه نفتی رامهرمز و یک نفتکش از سوی نیروی هوایی عراق مورد حمله قرار گرفته است. روزنامه انگلیسی تایمز اعلام کرده است که نفتکش هایی که در خلیج فارس رفت و آمد می کنند، به منظور حفاظت از حملات هوایی و موشکی، به یک سیستم ضد موشکی مجهز خواهند شد. تایمز همچنین افزود که این سیستم هم اکنون بر روی دو نفتکش در دبی نصب شده است.

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی نیز طی نامه ای به خاور میانه و کوئین، بار دیگر عراق را متهم به استفاده از سلاح های شیمیایی نمود. گفته می شود که در اثر استفاده عراق از سلاح های شیمیایی بیش از ۱۲۵ تن از سربازان ایرانی مجروح شده اند و یک هزار و دویست و پنج تن به قتل رسیده است.

تحریم سبب تا متوسط جوانان کازرون برای مقابله با پاسداران

بکیر و بهند جوانان مشمول طی دو ماه اخیر در کازرون نیز مانند سایر نقاط کشور شدت بی سابقه ای یافته است. اوباشان حکومتی در مراکز تجمع جوانان این شهر به کمین نشسته و به شکار آنان می پردازند. پاسداران و کمیته چپی ها، سینمای شهر را که تنها محل گذراندن اوقات و تفریح جوانان است، تحت کنترل گرفته اند. آنان تاکنون دوباره به این سینما به هنگام نمایش فیلم بورش برده و جوانانی را که در آن جا بودند، دستگیر کرده و روانه پادگان ها ساختند. جوانان کازرون تصمیم گرفتند رفتن به سینما را تحریم کنند.

اقدام یکپارچه جوانان و استقبال اهالی شهر از حرکت آنان موجب گردید درهای سینما به مدت دو هفته بسته بماند.

کارخانه پرچمستون در آستانه تعطیل

افلاس مالی دولت، کارخانه پرچمستون شیراز را نیز در شرف تعطیلی کامل قرار داده است. این کارخانه هم اکنون به صورت نیمه تعطیل درآمده است. خط تولید لاستیک رنو و ژبان به دلیل نبود ارز و مواد اولیه به کلی متوقف گردیده است. تولید لاستیک پیکان به حداقل ظرفیت کاهش یافته و کیفیت محصولات تولیدی بسیار افت کرده است. تا کنون ۶۰۰ نفر از کارگران کارخانه که اکثرا قراردادی بودند، اخراج شده اند و دفتر شرکت در تهران به حالت نیمه تعطیل درآمده است. بدهی های معوقه به کارگران کارخانه از بابت طرح طبقه بندی مشاغل و غیره تاکنون پرداخته نشده است. هریک از دوهزار کارگر کارخانه در حدود ۲۰ الی ۴۰ هزار تومان طلب کار هستند. مدیریت کارخانه در صدد است به بهانه تامین بودجه کافی برای پرداخت بدهی خود به کارگران، قیمت تولیدات کارخانه را ۵۰ درصد افزایش دهد.

خبرهایی از بوکان

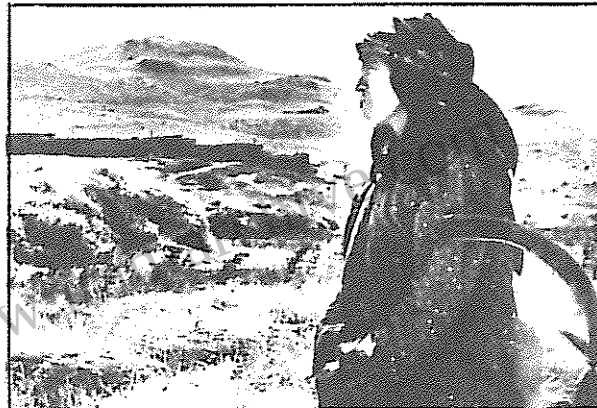
روز جمعه، سوم مرداد، پس از خاتمه بازی تیم های فوتبال شهر بوکان و میانه و آب بند در بوکان برگزار شد، مأموران پلیس که در ورزشگاه حضور داشتند، بسرجه ای از اهالی بوکان را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. جوانانی که شاهد این صحنه بودند به حمایت از بسرجه برخاستند که در نتیجه آن زد و خوردی در گرفت. یکی از مأمورینی که در این روز نقش فعالی علیه جوانان بوکان ایفا کرده بود، عنصر مفسوری بنام شبور بود. چند روز بعد از این واقعه جوانان بوکان شبور را در نزدیکی خیابان شهر به دام انداخته و چنان تلبیب کردند که اکنون اهالی بوکان به لفظه وی را "شبور لنگ" می خوانند. در پی کشتن روز سوم مرداد ماه، مسئولین شهرستانی برای زهر چشم گرفتن از اهالی در شهر به راه افتاده به ابدا و اذیت مردم می پردازند. مسئولان خداداد یکی از مسئولین شهرستانی از جمله کز اندکان معرکه بود، که همراه با اعضای پاندهش برزگری را از بند گذراند. عده ای از جوانان بوکان در اثر از انچه از اینگونه اعمال مأمورین رژیم شهپکار خمینی، یکی از اعضای پاندهسوان خداداد را نیز به سرنوت "شبور لنگ" دچار می سازند.

بیکرد و دستگیری جوانان مشمول فراری برای اعزام اجباری به جبهه، با شدت بی سابقه ای دنبال می شود. مزدوران حکومتی در کدجه و خیابان شهر به کمین جوانان نشسته و آنان را پس از دستگیری به زور روانه جبهه می کنند. هرگاه مسئولی را متوانند دستگیر کنند محله را قری کرده، خانه به خانه به بازویی می پردازند. اوباشان رژیم، اخیرا برای وادار کردن جوانان به معرفی خود، به شیوه حیوانی تازه ای متوسل شده اند. سرکوبگران رژیم بدویداران مسئولین فراری را زندانی کرده و از آنان می خواهند فرزندان و برادران خود را معرفی نمایند.

اوایل مردادماه، مزدوران جنایت پیشه خمینی یکی از فرزندان مبارز شای کرد را که به منظور دیده اردوستانش راضی روستای داشته واقع در ۷۰ کیلومتری شمال بوکان و بر سر راه جاده بوکان میانه و آب بند، دستگیر کردند. وی را از شکنجه و حشانه وی را با اسلحه به قتل رساندند. اوباشان خمینی، چند مقتول را که سند سهیت و درنده خوبی شان بود بانی شرمی و ذالت سوار و انت کرده در خیابانهای بوکان گرد انداختند.

در مردادماه پاندهاران حکومتی چند سرپاز جوانی را که به نظر فحش کشته شده بود به خانواده اش تحویل می دهند. گلوله از زیر جاکت جوان وارد شده و از سرش خارج گشته بود. رژیم ادعا می کند که این جوان خودکشی کرده است ولی مردم می گویند او به همراه چند تن دیگر توسط خود حکومت به قتل رسیده است. در مراسم به خاکسپاری جنازه این جوان که عوامل حکومتی نیز حاضر بودند، مصادی بلند علیه رژیم شعار داده شد.

زن لر



چه رفیقانه بازو در بازوی
داشت انداخته است. چه ساده
است وجه مهربان و چه امیدوار.
خسته از رنج کار است. اما با
چهره ای بر امید به افق می تگرد.
این زمین ثمر خواهد داد. رنج و
رزم او شوره زار را نیز بار آور
خواهد ساخت.

از میان نامه ها

در گرداب بیکاری

"گفتند همه چیز در گرو داشتن برگ پایان خدمت است. به هر مصیبتی بود دو سال راسرآورد و کارت پایان خدمت را گرفتم. نزدیک به یک سال است که مرخص شده ام. بی پول و بیکار و چشم به دست خانواده. تنها من نیستم که چنین وضعیتی دارم همه جوانان شهرمان به این روز افتاده اند. به هر دری ممکن بود زده ام، اما راه به جایی نبرده ام. چند روز در لاهراتوار استان به شیشه شویی و پرکردن شیشه های شربت و ... مشغول بودم. بعد از هشت روز عذر را خواستند و به جای من یکی دیگر را آوردند و گفتند رسم کار اینجا چنین است. با مساجت ۴ روزم در انبار همان بهداری کار گرفتم. کارم در انبار مصادف بود با یکی از حملات در جبهه. روزانه ۵ الی ۶ کامیون دارو، لوازم جراحی و پانسمان و ... از تهران می آوردند و من به همراه یکی دو نفر دیگر می بایست آن ها را خالی می کردم. کار شاقی بود و مزدش ناچیز، اما به همین نیز راضی بودم. چهار روز سرآمد و من به همان نقطه اول که شروع کرده بودم برگشتم. در پی کار. پس از دوندگی و تقلای زیاد کاری در بوکان پیدا کردم. آنجا قرار بود برای مدت هفت ماه در اکیپ های اداره مالاریا که برای

واکسیناسیون و سرشماری افراد عازم روستاهای منطقه می شدند به کار بپردازم کم کم داشت کارم می گرفت که وابستگان انجمن اسلامی بهداری زیر پایم را خالی کردند.

سرگردان در پی کار بودم که خبر شدم در بندرعباس برای کار روی کشتی به ملوان احتیاج دارند. می گفتند کارنان و آبداری است. اسباب و اثاثیه ام را جمع کردم و با هزار مکافات خودم را به بندرعباس رساندم. چه شوق و خیالاتی که در سر داشتم! تصور من از کاری که یافته بودم چیزی بود و واقعیت آن چیزی دیگر. یک هفته روی کشتی که ماهین جزایر خلیج فارس در رفت و آمد بود، سرگرم کار بودم. از سپیده صبح تا پاسی از شب. آن هم در گرمای شرعی و سوزان بندر روی عرصه کشتی قراضه. طی روز به "اسکراب کردن و زنگ زدایی و ... می پرداختم و شب هم دو الی سه ساعت نگهداری داشتیم. کارش چنان طاقت فرسا بود که رمقی برای آدم باقی نمی گذاشت. با همه اینها از ترس بیکاری تحمل می کردم. مسیر کشتی برخی مواقع از پوشه به خارک بود و بالعکس. محلی که مدام زیر آتش هواپیماهای عراقی است. من که تازه از جبهه برگشته و دو سال را در زیر آتش خمپاره و تسوب گذرانده بودم، این بار دیگر نمی خواستم بصورت اجیر در خدمت جنگ باشم. عطای چنین کاری را به لغایش بخشیدم و دست از پا درازتر با خرج بیشتر از دخل برگشتم، باز هم بیکاری و ..."

شیلی: دست و پا زدنیهای دیکتاتوری و اراده خلق

چهره زشت يك رژيم

مقاله ای از: ولودیا تاپیل پویم، عضو هیات سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی

مندرچ در: "عصر جدید" شماره ۳۲ سال ۱۹۸۶

هفته گذشته، بار دیگر شیلی در مرکز توجه جهانیان قرار گرفت. رژیم ژنرال آگوستینو پینوشه به بهانه ترور نافرجام وی، به مدت سه ماه حکومت نظامی اعلام کرد. سدها تن، که در میان آنها نام شخصیت های دمکرات و آزادیخواه دیده می شود، بازداشت شدند. ناظران، هدف رژیم از این اقدام را جلوگیری از انجام اقدامات اعتراضی اپوزیسیون به مناسبت سیزدهمین سالگرد کودتای فاشیستی یازده سپتامبر ۱۹۷۲ دانسته اند.

مقاله نامه سوروی "عصر جدید" در شماره ۲۲ امسال خود مقاله ای از ولودیا تاپیل پویم، عضو هیات سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی درج کرده است که به اوضاع داخلی این کشور پیش از رویدادهای هفته گذشته می پردازد. ترجمه این مقاله را از نشر خوانندگان می گذاریم.

پینوشه دیکتاتورشیلی و دست پرورده "سیا" انزجارآورترین مولود تروریسم دولتی ایالات متحده است. سیزده سال است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سیاست او را محکوم می کند. برای خود مردم شیلی، پینوشه مدت ها است که "عنصر نامطلوب" به شمار می رود.

دیکتاتور، که در پایتخت با نفرت و روبرو است، تا به حال گمان می کرد سفر به سایر استانها بتواند برایش نقش "آمیول تقویت کننده در مبارزه" را ایفا کند. اما از فوریه ۱۹۸۴ تا امروز، او از "آریکا" گرفته تا "پونتا آرناس" تظاهرات اعتراضی نیرومندی را در پیش روی می بیند که شرکت کنندگان در آن، فریاد می کنند: "مرگ پرستید!" و "پینوشه حق ندارد نزد ما باشد!"

مجمع شهروندان

اکنون پینوشه می کوشد در پناهنگاه خود بماند. سفر به شهرستانها برای او پیوسته خطرناکتر و ناراحت کننده تر می شود. شیلی، دیگر تاب تحمل او را ندارد. جهان، طردش کرده است.

به ویژه از ماههای آوریل و مه امسال بدین سو، افشار گسترده مردم به شرکت در مبارزه علیه دیکتاتوری جلب شده اند. اپوزیسیون، ژوش را ماه "نافرمانی عمومی" اعلام کرد. اقدامات اعتراضی مردم، افزایش یافت. عملاروزی نمی گذرد که در آن، خیابانهای سانتیاگو وسایر شهرها شاهد درگیریهای سخت نگردند. توده های مردم، که در میان آنها نمایندگان همه نیروهای اجتماعی و سیاسی وجود دارند، از سوی ارتش و پلیس مورد حمله قرار می گیرند. برای نخستین بار پس از سیزده سال دیکتاتوری، همه گروههای اپوزیسیون برنامه عمل مشترک امضا کرده و در "مجمع ملی شهروندان" متحد شده اند.

برای نیمه دوم سال ۱۹۸۶، گسترش و تعمیق مبارزه علیه دیکتاتوری پیش بینی شده است. قرار است این مبارزه، اشکال متنوع تری به خود بگیرد تا بتواند کارزار "نافرمانی عمومی" را فعال کرده و به تضعیف رژیم یاری برساند. هر چه مقاومت توده ای، که باید به قیام ملی فراورید، گسترش یابد، برای پینوشه کنترل اوضاع مشکل تر می شود. نظرخواهی ها، موید منفور بودن مطلق رژیم اوست.

مجمع شهروندان، برای پاسخ، به پینوشه ۲۰ روز مهلت داد. پاسخ دیکتاتوری، تشدید سرکوب بود. مجمع شهروندان و کمیته اجرایی آن، که چنین واکنشی را پیش بینی کرده بودند، بر برنامه خود برای اقدامات اعتراضی علنی، تاکید ورزیدند.

پینوشه برای نگرانی خودچندین دلیل دارد. همبستگی بین المللی با دمکراتهای شیلی و نیز محکومیت رژیم پینوشه از سوی سازمانهای بین المللی، دیکتاتور را به خشم آورده است. در نیمه دوم ماه مه، در سانتیاگو یک گردهمایی با شرکت ۶۷ نماینده پارلمان از ۱۲ کشور آمریکای لاتین و اروپا و ۱۲۵ عضو سابق پارلمان شیلی برگزار شد. همه شرکت کنندگان، بطوریکه چارچة نالانگیزی های دیکتاتور را محکوم کرده خواستار بازگشت کشور به دمکراسی شدند.

بحران رژیم، بطور قانونمند شامل عرصه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و طبعاً اقتصادی می گردد. طبق آمار "موسسه علوم و پژوهشهای اجتماعی آمریکای لاتین"، ۵۵ درصد مردم شیلی در فقر و ۲۲ درصد آنها در مرز فقر به سر می برند. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲، این ارقام به میزان ۴ و ۶ برابر افزایش یافته اند.

یک آمارگیری این موسسه حاکی از آن است که ۱۰ درصد جمعیت شیلی، ۴۶ درصد درآمد ملی را کسب می کنند. در عوض ۲۰ درصد خانواده ها که فقیرترین ها را تشکیل می دهند، تنها ۲/۲ درصد درآمد ملی عایدشان می شود.

آلوارو کارسیا، مفسر نشریه "آپسی اکونومیکا"، در ماه مارس امسال نوشت: "یک شکل اعمال قهر در شیلی امروز عبارت از آن است که ترسنگان را از هرگونه درآمد محروم سازند تا اقلیتی بتواند جیبهای خود را پر از دلار کند. شرط اجتناب ناپذیر هر برنامه واقعا دمکراتیک، تجدید توزیع درآمد مردم است."

التهت پینوشه بطور مداوم مشغول "تجدید توزیع درآمد" به سود خود است و در این رابطه، دست کمی از سایر دیکتاتورها ندارد. مشهور است که دیکتاتور، در حسابهای سری بانکهای سوئیس و آمریکایلیا ردها دلار روی هم انباشته است.

"نوپت سومی است"

پینوشه ژنرال های خود را هم فراموش نمی کند. در حالی که ۶۰ درصد مردم شیلی، درآمد ماهانه ای در حدود ۱۲ هزار پزو - تقریباً ۶۰ دلار - دارند، درآمد یک ژنرال پینوشه، ۵۶ برابر این رقم است. پس از سقوط ژان کلود دووالیه و فردیناند مارکوس، برخی پیش بینی ها حاکی از این بود که نوپت سومی یعنی پینوشه فرا رسیده است. یک سیاستمدار شیلیایی از اصطلاحات فوتبال استفاده کرد و گفت ریکان در نامه ای به دیکتاتور، به وی کارت زرد نشان داده است. کمی بعد، برای نخستین بار پس از سال ها دیکتاتوری در شیلی، نماینده آمریکا در ژنو علیه رژیم نظامی که سیا و پنتاگون در برقراری آن در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲، شرکت فعال داشتند، رای داد.

از آن جاکه واشنگتن با راهدارمجامع گونساگون بین المللی با حمایت خود از دیکتاتوری شیلی دچار انزوا شده است، صرف رای دادن آمریکاعلیه پینوشه جلب نظر کرد. سیاستمداران اپوزیسیون راست میانه، از این بابت خوشحال شدند. آیا به راستی

"شورای ملی رهبران زحمتکشان"، سازمانهای گونساگون سندیکایی را در برمی گیرد. در پیکار توده ای، مردم از پیرو جوان شرکت می جویند - از دانش آموزان دبیرستانی گرفته به بالا.

افشار میانی به مبارزه می پیوندند

تنها در میان کارگران نیست که خشم از رژیم بالا می گیرد. امروز، افشار میانی نیز علیه دیکتاتوری وارد میدان شده اند. اکثریت بزرگ افشار میانی شیلی به اپوزیسیون روی می آورد.

در "پنساگزار" مجمع شهروندان، نمایندگان ۲۵۰ سازمان اجتماعی شرکت کردند. این سازمانها، نماینده اکثریت مردمند که تحت تاثیر اندیشه مبارزه مشترک تحت شعار "پیروزی از آن ماست" قرار دارند. از جمله سازمانهای مؤس، عبارتند از: شورای ملی رهبری زحمتکشان، اتحادیه دانش آموزان فنی و حرفه ای، کنفدراسیون دانشجویان، شورای فقرا، زنان برای زندگی (اتحادیه همه گروههای زنان کشور)، کمیسیون ملی دهقانان، کنفدراسیون تعاونی ها، شورای دانشمندان و هنرمندان، شورای ملی بازنشستگان، فدراسیون کامیونداران، فدراسیون کارکنان فروشگاهها و غیره.

کمیته اجرایی مجمع، از نمایندگان سازمانهای گوناگون تشکیل می شود. با آنکه مجمع شهروندان، نه یک ائتلاف احزاب سیاسی، بلکه اتحاد سازمانهای اجتماعی است، پرنفوذترین نیروهای کشور، یعنی دمکرات مسیحی ها و کمونیست ها در آن اکثریت دارند.

مجمع، سندی با عنوان "شیلی می طلبد!" تصویب کرد. محور آن، طرح خواست انتقال قدرت خلق برای تحقق دمکراسی است. در بخشی تحت عنوان "ما خواهان دمکراسی برای احیای استقلال ملی هستیم!" از ضرورت الغای دکتترین به اصطلاح امنیت ملی، بازگرداندن شیلی به جامعه کشورهای آمریکای لاتین و جهان سوم و تجدید نظر در شرایط بازپرداخت قروض اسارت آور خارجی سخن می رود. در این سند تاکید شده است هیچ دلیلی برای عدم تحقق فوری حق مردم شیلی در انتخاب حکومت خود از طریق انتخابات عادی، آزاد، عمومی و مخفی وجود ندارد.

دمکراتیزه شوند. فرماندهی ارتش، از جمله پینوشه، با دیدن محاکمه اعضای سه خونتای نظامی در آرژانتین به اتهام نقض حقوق بشر و عدم کفایت فاش آن‌ها در جنگ مالویناس، تکران شده است. نظامیان از کاپوس دیگری نیز رنج می‌برند؛ دادگاه نورنبرگ. بستگان مقتولین، ناپدید شدگان، زندانیان سیاسی، شکنجه دیدگان و مهاجرین سیاسی بسیاری که در ۵۰ کشور جهان زندگی می‌کنند، انتقام‌جو نیستند، اما تشکیل دادگاهی را می‌طلبند. چنین دادگاهی وقتی تشکیل می‌شود که قدرت حاکم توان برگزاری آن و تضمین اجرای احکام آن را در خود بیابد. پدیده‌ای است که کسی نمی‌تواند مرده‌ها را از قبر بلند کند. اما تجربه دشتناک دوره اخیر باید این تضمین را به وجود آورد که در شیلی دیگر هرگز بی‌گناهی به قتل نرسد و نه در این قرن و نه در هیچ زمان دیگری، دوره‌ای مشابه دوره پینوشه تکرار نشود. بدین منظور لازم است ریشه‌های این پدیده برکنده شوند. این است وظیفه اصلی کمونیست‌های شیلی، که انتقام کل خلق را بازتاب می‌دهند، وظیفه‌ای که با دوکلمه می‌توان بیان کرد: "دوباره هرگز!"

زمان تصمیم

حزب کمونیست شیلی پس از اعتصاب عمومی اوایل ژوئیه اعلام کرد که با انجام مذاکرات با نیروهای مسلح موافق است و از یک دولت نظامی بدون پینوشه به مثابه راهی برای بازگشت کشور به دمکراسی پشتیبانی خواهد کرد.

اکثريت قاطع مردم در موضع اپوزیسیون قرار دارند و دقیقاً می‌دانند پینوشه هرگز داوطلبانه از قدرت کناره نخواهد گرفت. باید او را به زیر کشید. جوانان دارای عقاید سیاسی گوناگون، در جبهه میهنی "مانوئل رودریگز" گرد هم آمده‌اند.

در هفته‌ها و ماه‌های آتی، مبارزات، گسترش و تشدید خواهد یافت. اعتصابات عمومی، راه قیام ملی را می‌گشاید. پینوشه اعلام کرده است برای جلوگیری از این امر یک کارگیزی هر روزه‌ای، از جمله تکرار حمام خون ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ را در نظر دارد. اما شرایط در کشور تغییر کرده است.

خلق، خود را از قید ترس رها کرده و برای همه چیز آماده است. مردم دیگر حاضر به تحمل دیکتاتوری نیستند. اخبار فعالیت‌های زیادی برای متحد کردن نیروهای اپوزیسیون صورت گرفته است. تجارب مبارزاتی کنونی، به بهای واقعا کثرتی و از طریق آزمایش شیوه‌های گوناگون مقاومت به دست آمده است.

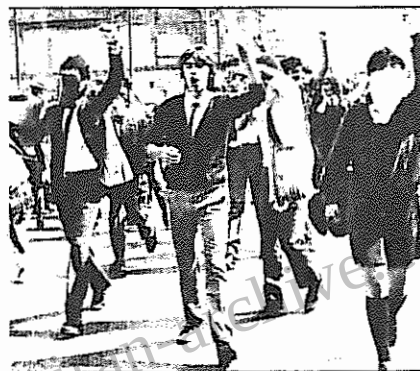
سال ۱۹۸۶ می‌تواند به سالی تعیین‌کننده برای شیلی تبدیل شود. شعار "همه شیلی و سراسر جهان علیه پینوشه!" پیوسته از پشتیبانی بیشتری برخوردار می‌شود. تنها ریگان و دولت اویساستی دوپلودن‌بال می‌کنند و کمده مسخره‌ای را که بر عزم راسخ به حمایت از دیکتاتوری تاداقیتی پیش از سرنگونی آن مبتنی است، ادامه می‌هند.

در این موقعیت، نقش همبستگی بین‌المللی افزایش می‌یابد. خلق شیلی می‌داند که، از حمایت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، جنبش غیرمتعدها سازمان‌های اجتماعی کشورهای سرمایه‌داری، یعنی از پشتیبانی اکثریت جهانیان برخوردار است.

دمکراتیک" به رهبری حزب دمکرات مسیحی. نتیجه اعمال نفوذهای واشنگتن این بود که روند اتحاد نیروهای اپوزیسیون، سال‌ها متوقف ماند. این امر ادامه موجودیت را برای دیکتاتوری ساده‌تر کرد. از سوی دیگر کاخ سفید می‌کوشد با توسل به همه وسایل، راهگشای تفاهم متقابل میان دیکتاتوری و اپوزیسیون راست میانه گردد. اما علماً ثابت شده است که چنین امری امکان ندارد. در نقشه‌های پینوشه هیچ‌گونه سازشی پیش‌بینی نشده است برای او تنها اطاعت کورکورانه پذیرفتنی است. پینوشه، پیشنهادهای اپوزیسیون راست میانه را که به صورت "برنامه آشتی ملی" به او ارائه شده بود، رد کرد.

آینده، آنگونه که پینوشه می‌خواهد

رفتار پینوشه حاکی از آن است وی نه تنها درصد است تا سال ۱۹۸۹ سکان قدرت را در دست خود نگه دارد، بلکه می‌خواهد برای یک دوره دیگر ریاست جمهوری تا ۱۹۹۷، خود را به این مقام



تظاهرات در سانتیاگو

منصوب کند. پس از آن هم نه یک حکومت لیبرال غیرنظامی، بلکه برقراری یک "دولت کارگزار" پیش‌بینی شده است. یک فرد غیرنظامی، رئیس جمهور صوری خواهد بود، اما قدرت واقعی هم‌چنان در دست نظامیان خواهد ماند. نظامیان، خود را "ستون فقرات" و قیم ملت می‌دانند، ملتی که گویا تمایل به هرچ و مرج و "ماجرای جوی‌های چپ" دارد. ارتش به مثابه یک "آقایالاسر" هم‌چنان نظارت خود را بر اوضاع حفظ خواهد کرد تا اصول اساسی اعلام شده توسط نظامیان در سال ۱۹۷۲، معتبر بماند.

حزب کمونیست شیلی تجربه تاریخی چند دهه اخیر و به ویژه مساله دخالت امپریالیسم آمریکا و میلیتاریسم ارتجاعی در خدمت آن را، به طور بنیادین تحلیل کرده است. در این تحلیل، به برنامه "دیکتاتوری مداوم" نیز که تئوریسین‌های آکادمی نظامی تحت تاثیر "دکترین امنیت ملی" پنتاگون تدوین کردند، پرداخته شد. این دکترین، بر "جنگ داخلی"، یعنی سرکوب بلاوقفه خلق، و "حکومت نظامی دائمی" استوار است. طبق این دکترین، قدرت باید مستقیماً از سوی فرمانده کل نیروهای مسلح کشور اعمال گردد. طراحان این برنامه می‌خواهند در قرن بیست و یکم نیز یک نظامی در رأس حکومت باشد. به یک رئیس‌جمهوری غیرنظامی، حداکثر نقش یک مترسک واگذار خواهد شد.

پیوسته آشکارتر می‌شود که خلق شیلی دیگر نمی‌خواهد حکومت نظامیان را تحمل کند. برای از میان بردن این حکومت، نیروهای مسلح باید کاملاً

دولت ریگان، موضع خود را تغییر داده است و راه حل جدیدی در شیلی ترجیح می‌دهد؟ آیا آمریکا به جای پینوشه احتمالاً یک ژنرال دیگر نظیر "نامفی" در هائیتی را برخواهد گمارد؟ ویا "راه حل فیلیپینی" را ترجیح داده از دولتی پشتیبانی خواهد کرد که نماینده آن، یک سیاستمدار طراز اول غیرنظامی باشد؟

اخیراً ورنون والترز، سفیر آمریکا در سازمان ملل، بر این حدیثات و نظایر آن، قلم پلکان کشید. وی در نشست یک کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گفت: "بدینوسیله مایلیم قدردانی خود از فعالیت مثبت دولت شیلی را ابراز داریم." وی افزود اظهار نظر هادرباره رعایت حقوق بشر در شیلی به نظر وی منصفانه نیست زیرا "نباید در رابطه با رعایت حقوق بشر، شیلی را هم‌چنان مورد ویژه‌ای دانست."

سرنوشت تکان دهنده یک جوان شیلیایی بنام رودریگو روخاس دنگری، به خوبی ارزش این اظهارات والترز را نشان می‌دهد. رودریگو پس از مدتها اقامت در واشنگتن، به سانتیاگو بازگشت و یک ماه و نیم پس از آن، توسط سربازان پینوشه در همان آغاز اعتصاب عمومی دوم و سوم ژوئیه، زنده زنده به آتش کشیده شد. سربازان، به روی این جوان بنزین ریخته و او را آتش زدند. کارمن کوئینتانان، دختر دانشجوی ۱۸ ساله، که همراه رودریگو بوده، هم‌اکنون با مرگ در کشاکش است. هنگامی که رودریگو را به خاک می‌سپردند، خبر رسید در شهر بندری "وال پارائیزو"، ماریو آنتونیو آریا مارکانت ۲۴ ساله نیز دچار همین سرنوشت شده است.

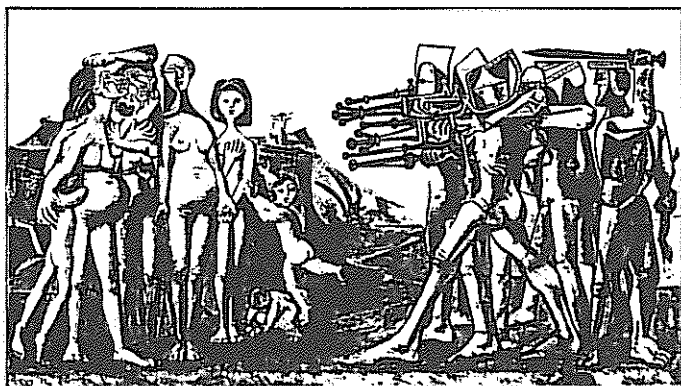
مانورهای کاخ سفید

میچ یک از این مانورهای مشکوک آمریکایی‌ها برای "گذار تدریجی به اشکال دمکراتیک حکومت در شیلی" تصادفی نیستند و ریشه در هراس از یک نیکاراکوئه دوم دارند. ایالات متحده نمی‌خواهد حتی یک دقیقه هم از ترک کونی‌های سیاسی ریشه‌ای در شیلی، که زمان آن مدت‌هاست فرارسیده، عقب بماند. واشنگتن می‌داند مهم آن است که پنج دقیقه پیش از فروپاشی حکومت دیکتاتور محبوس وارد عمل شود.

هرکس گمان کند ریگان، واین‌برگر، شولتز و کیسی (رئیس سیا) خود به خود دست از حمایت از پینوشه خواهند کشید، عمیقاً در خطا است. کاخ سفید آرزومند است که دیکتاتور هر چه بیشتر در مصدر قدرت بماند، زیرا فقط او است که به بهترین وجه از منافع آمریکا پاسداری می‌کند. از این گذشته، پینوشه خود نیز دست به همه کار خواهد زد تا هر سرکار بماند.

باید از طریق تلاش‌های مشترک اپوزیسیون به رهایی آینده شیلی دست یافت. دولت آمریکا واقف است که چنین روندی به سودش نخواهد بود و از این رو، تا آن‌جا که در توان دارد، مانع روند اتحاد اپوزیسیون شیلی می‌شود. ایالات متحده پاترفندهای بی‌شمار می‌کوشد ائتلاف دو نیروی عمده اپوزیسیون را از هم بپاشد. این دو نیرو عبارتند از "جنبش دمکراتیک توده‌ای" متشکل از حزب کمونیست، حزب سوسیالیست به رهبری کولدومیر و آلمیدا، جنبش چپ انقلابی (میر)، مایو (جنبش اقدام متحد توده‌ای) و چند سازمان چپ دیگر، و نیز "ائتلاف

قتل عام در گره - اثر پیکاسو (۱۹۵۱)



انسانها را باور کن!

از: ناظم حکمت

در جهان چون مستاجری موقت و چون مهمانی در تابستان مباح،
جهان را خانه پدریت بدان.
بذر را باور کن، زمین را، دریا را باور کن،
اماییش از همه، انسان ها را باور کن!
ابرها را، پادها را، کتاب ها را دوست بدار،
اماییش از همه، انسان ها را دوست بدار!
در دشاخ خشکیده را دریا بدار،
و در دستاره ای را که خاموش می شود،
و در دجانوری مجروح را.
اماییش از همه، درد انسان ها را دریا بدار!
بگذار طبیعت غنی، شادمانت کند.
بگذار نور و تاریکی شادیت بخشد.
بگذار چهار فصل به وحدت آورند.
اماییش از همه، بگذار انسان ها شادمانت کنند.

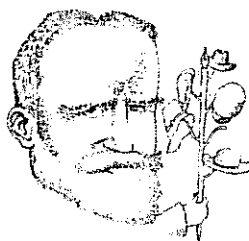
فقهایی و ورزشکار

کننده قوا، در رشته بارفیکس کوی
سبقت را از بقیه فقهایی و ورزشکار
برپایید. آیت الله منتظری ولیعهد
اعلام کرده است در مسابقات شرکت
نمی کند زیرا می ترسد در این بازیها
"موش دوانی" کنند. فقهایی شورای
نگهبان که قرار شده است در مسابقه
فوتبال داوری را برعهده داشته
باشند، روز دشاری را در پیش رو
دارند. پیش بینی می شود برای
جلوگیری از لکدپراکنی های طرفین،
کارت زرد فقهی کارساز نباشد.
هم اکنون اختلاف دو تیم پر سرترکیب
هیات داوران بالا گرفته است. خمینی
طی دستورالعملی از مطبوعات ورزشی
خواسته است از طرح نقاط ضعف شرکت
کنندگان در این مسابقه خودداری
کنند، زیرا این کار کل نظام را به خطر
می اندازد.

کیهان ۸ شهریور - "مسئول
تربیت بدنی سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی اعلام کرد، به مناسبت هفته
جنگ مسابقه ای با شرکت مسئولان
کشوری شامل روسای سه قوه، وزراء،
نمایندگان مجلس، فرماندهان و
معاونین وزارتخانه ها در روز ۲۱
شهریور ماه در تهران برگزار می شود
... این مسابقات در رشته های
تیراندازی با کلت، دو صدمتر، پرس
غول، بارفیکس و دو ۸۰۰ متر برگزار
خواهد شد."

به قرار اطلاع، مفسرین ورزشی
در تهران در رشته پرس طول، بیشترین
شانس را برای آیت الله موسوی
اردبیلی رئیس قوه قضائیه قائلند و
پیش بینی می کنند حجت الاسلام
خامنه ای رئیس جمهور و هماهنگ

حکایات و روایات



جرج برنارد شاو

(۱۸۵۶-۱۹۵۰)

داد با کمال تأسف نمی تواند قرارداد
را امضا کند. وقتی مایر علت را
پرسید، شاو گفت: "شما فقط به هنر فکر
می کنید، اما من فقط در فکر پولم."

برنارد شاو با مقامات عالی رتبه
زیاد نشست و برخاست می کرد. او پس
از جنگ جهانی دوم، از مونته کمری
ژنرال انگلیسی تقاضای ملاقات کرد.
مونته کمری پس از آنکه مدتی این تقاضا
را بی پاسخ گذاشت، بالاخره شاو را
هنگامی پذیرفت که یک نقاش، پرتره
ژنرال را می کشید. شاو صحبت را آغاز
کرد و گفت تنها پنج درصد مقامات
عالی رتبه، شایسته موقعیت خود هستند.
مونته کمری برآشفته پرسید آیا منظور
شاو این است که تنها پنج درصد
ژنرال های انگلیسی کفایت دارند؟
شاو پاسخ داد: "البته خیر. این رقم در
مورد ژنرال ها بسیار پایین تر است."

جوانی که می خواست نمایشنامه
نویس شود، قطعه ای نوشته و آن را به
منظور اظهار نظر برای برنارد شاو
فرستاد، اما پاسخی دریافت نکرد. مرد
جوان، پس از ماه ها نزد شاو رفت و از
او خواست قطعه نمایشی اش را به او
پس بدهد. برنارد شاو مدتی به دنبال
دست نوشته آن جوان گشت، اما آن را
نیافت. مرد جوان از اینکه شاو
قطعه اش را گم کرده بود، عصبانی
بود. برنارد شاو نیز از این پایت
دچار ناراحتی و چنان شد. وی دست
مهمانش را گرفت، به جلوی گنجه ای
بر از دست نوشته های دیگران پر دو به
او گفت: "یکی را انتخاب کنید و
ببرید."

شاو در تعلیلات خود در جزیره
"مادرا" با یک آمریکایی به صرف غذا
مشغول بود. فرد آمریکایی به شاو گفت
به نظر او همه اجناس انگلیسی بنجل
هستند. وقتی برایشان آبخو انگلیسی
آوردند، هم صحبت آمریکایی شاو
برای تایید مدعایش گفت آبخو
انگلیسی بد مزه ترین نوشیدنی در تمام
دنیا است. شاو با خشم از جابجاست
و گفت: "شما قهوه ما را خورده اید که
این حرف را می زنید؟!"

جرج برنارد شاو نمایشنامه
نویس بزرگ ایرلندی روزی در یک
فروشگاه کتاب های مستعمل، به کتابی
از خود برخورد که مدتی پیش به یک
شخصیت نامدار اهدا کرده بود. هنوز
در صفحه اول کتاب، جمله ای که شاو
نوشته بود دیده می شد: "تقدیم با
احترام." برنارد شاو کتاب را خرید و
در زیر جمله صفحه اول آن نوشت:
"تقدیم با احترامات مجدد" و کتاب
را دوباره برای شخصیت مزبور
فرستاد.

نمایش کمدی "پیگمالیون"
نوشته شاو، در سراسر جهان با استقبال
روبرو شد. در اولین اجرای آن، خود
نمایشنامه نویس حاضر بود.
تماشاچیان از او خواستند به صحنه
بیایند. پس از پایان اجرا، شاو به روی
صحنه رفت. در میان کف زدن های
شدید حضار، یک نفر فریاد کشید:
"عجب نمایش مسخره و مجملی بود!"
شاو به جای اینکه دستپاچه شود، روبه
آن تماشاچی کرده و گفت: "کاملاً با
شما هم عقیده ام، اما از دست من و شما
چکاری برمی آید؟"

ایزادورا دانکن رقاصه زیبای
آمریکایی، از طرفداران پروپا قرص
برنارد شاو بود. او برای شاو نامه ای
نوشت و نسبت به نمایشنامه نویس،
اظهار عشق کرد. در نامه او آمده بود
طبق قوانین ارث، اگر او و شاو صاحب
فرزندی شوند، این فرزند، زیبایی
رقاصه و موش نمایشنامه نویس را به
ارث برده و موجود کاملی خواهد شد.
شاو در پاسخ نوشت: "نامه شما مقترحم
کرد، اما آیا فکر کرده اید اگر فرزند،
عقل شما و قیافه مرا به ارث ببرد، چه
فاجعه ای خواهد شد؟"

لوئیس مایر، بنیانگذار و مدیر
عامل کمپانی سینمایی "مترو-گلدوین-
مایر" برای انعقاد قرارداد به فیلم
درآوردن یکی از آثار برنارد شاو، از
آمریکا به لندن رفت. این فیلمساز
برای جلب نظر برنارد شاو، در حضور
او یک ساعت درباره "رسالت والای
متر" سخن گفت. پس از آن، شاو پاسخ

اجلاس غیرمتعهدها خواهان قطع جنگ ایران و عراق شد

بقیه از صفحه اول

دیگر، جمهوری اسلامی کوشید تا به هر قیمت که شده، مانع طرح مسئله جنگ ایران و عراق در کنفرانس غیرمتعهدها گردد. هدف اصلی سفرهای ولایتی به پایتخت‌های چند کشور عضو جنبش پیش از برگزاری اجلاس نیز همین بود. خود خامنه‌ای نیز به عنوان نماینده رژیم آخوندها در حراره نهایت تلاش را به عمل آورد تا این کنفرانس، درباره جنگ ایران و عراق مصوبه‌ای نداشته باشد. سران حکومت خمینی دقیقاً می‌دانستند و می‌دانند در هیچ کردم‌هایی بین‌المللی، موضع جنگ افروزان و دیوانه‌وارشان مورد تأیید حتی یک کشور قرار نخواهد گرفت.

این بار نیز ترقندهای خامنه‌ای و همراهانش موثر واقع نشد و کنفرانس، مصوبه فوق را در رابطه با جنگ ایران و عراق صادر کرد. کمیته سیاسی اجلاس حراره که در روزهای برگزاری اجلاس، وظیفه تدارک مصوبات آن را برعهده داشت، مباحثات مفصلی درباره جنگ با حضور نمایندگان ۱۰۱ کشور عضو جنبش، از جمله ایران و عراق انجام داد. در این رابطه، سه پیشنهاد به کمیته سیاسی ارائه شده بود: نماینده

رژیم خمینی خواستار محکومیت یک جانبه عراق و یا مسکوت ماندن امر در کنفرانس گردید. عربستان سعودی و کویت که در جنگ از عراق پشتیبانی می‌کنند، به نوبه خود قطعنامه‌ای برای تصویب به کمیته پیشنهاد کردند. پیشنهاد سوم، متعلق به رژیم‌پایه میزبان کنفرانس بود که از پیش از برگزاری، جلسات کمیته سیاسی، تنظیم شده بود. این پیشنهاد تقریباً بدون تغییر به تصویب رسید.

واکنش خامنه‌ای

خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم خمینی که در کنفرانس حراره با تکرار شعارهای جنگ طلبانه و جنون آمیز به طرفداری از ادامه خونریزی، موجبات انزوای کامل خود را فراهم آورد، در مصاحبه‌ای با خبرنگاران حاضر در محل اجلاس، اعلام کرد برای او رژیم فقها، مصوبه کنفرانس در مورد جنگ ایران و عراق "غیرقابل قبول" است و افزود، "آن را نمی‌پذیریم". بدین ترتیب، نماینده رژیم خمینی بار دیگر مخالفت این رژیم را با ابتدایی‌ترین اصول مورد

پذیرش جامعه بین‌المللی، نظیر اصل عدم توسل به زور در روابط میان کشورها، به نمایش گذاشت. همچنین رجا بی‌خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل و عضو هیات همراه خامنه‌ای در حراره، در بیانیه‌ای رسمی که در محل کنفرانس انتشار یافت، اظهارات خامنه‌ای درباره مصوبه اجلاس را تکرار کرد.

علاوه بر مصوبه‌ای که به تصویب اجلاس حراره رسید، بسیاری از سران کشورها و دولت‌های غیرمتعهد در سخنرانی‌های خود در کنفرانس خواهان قطع جنگ ایران و عراق و حل مسائل فیما بین از طریق مذاکره شدند. این موضع‌گیری‌ها، اجلاس حراره را برای رژیم خمینی به صحنه یک شکست سیاسی تبدیل کرد. بیپرده نبود که خامنه‌ای که همه تلاش‌هایش در کنفرانس حراره متوجه جلوگیری از طرح مسئله جنگ در آن بود، در پایان اجلاس به دروغ اظهار داشت برای جمهوری اسلامی، در این اجلاس مسئله جنگ "اهمیت درجه دوم" داشته است تا به خیال خود، ابعاد شکست سیاسی جمهوری اسلامی را کوچکتر جلوه دهد.

کنفرانس حراره: رویدادی برجسته

سران کشورهای غیرمتعهد حمله آمریکا به لیبی را شدیداً محکوم کردند.

مصوبه کنفرانس حراره در رابطه با جنگ ایران و عراق بطور جداگانه در این شماره نشریه آمده است.

شرکت کنندگان در گردم‌هایی حراره خواستار حل سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان که متضمن استقلال، حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم تعهد افغانستان باشد، شده‌اند.

در بیانیه سیاسی از افزایش خطر اقدام نظامی ایالات متحده علیه نیکاراگوئه ابراز نگرانی و از کوشش‌های کشورهای آمریکای لاتین (موسوم به گروه "کونتادورا" و گروه "لیما") قدردانی شده است.

علاوه بر بیانیه سیاسی، اجلاس حراره سندی با عنوان "بیانیه اقتصادی" صادر کرد که در آن، ادامه موجودیت نظام غیرعادلانه و نابرابر اقتصادی در جهان محکوم گردیده و خطری برای صلح و امنیت جهان قلمداد شده است.

تهدیدی جدی علیه صلح جهانی دانست و حمایت اقتصادی، مالی، سیاسی، دیپلماتیک و نظامی دولت‌های غربی از رژیم آفریقای جنوبی را محکوم کرد. در بیانیه آمده است همه نیروهای پرتوریا باید پلافاصله و بدون قید و شرط از مناطق اشغالی در آنگولا عقب بنشینند. سران غیرمتعهدها حمایت آمریکا از باند ضدانقلابی "اونیتا" در آنگولا را محکوم کردند. اجلاس حراره، تحریم بین‌المللی رژیم آپارتاید و حمایت دیپلماتیک، سیاسی و مادی از کشورهای خط مقدم جبهه را ضروری دانست. غیرمتعهدها خواهان آزادی بی‌قید و شرط نلسون ماندلا شدند و آمریکا و بریتانیا را فراخواندند تا پیش از این مانع اقدامات موثر در جهت استقلال نامیبیا نگردند.

در بیانیه سیاسی حراره، با مبارزه عادلانه خلق فلسطین به رهبری "ساف" اعلام همبستگی شده و آمده است "راه حل"‌های جزئی و جداگانه در خاور نزدیک، بحران این منطقه را تنها پیچیده‌تر می‌کند.

بقیه از صفحه آخر
ترقی خواه جهان بود.

بیانیه سیاسی حراره

مهم‌ترین سند اجلاس حراره، بیانیه سیاسی مصوب آن است. در این بیانیه، محتوای سیاست عدم تبعه، "مبارزه با امپریالیسم، استثمار، نواستعمار، برتری طلبی، تجاوز، اشغال و سلطه خارجی، آپارتاید، نژادپرستی، صهیونیسم و همه اشکال وابستگی، مداخله جویی و اعزاز فشار" اعلام شده است. بیانیه سیاسی حاوی پشتیبانی از برنامه زمان‌بندی شده شورای برای خلع سلاح هسته‌ای و موراتوریم یک‌جانبه اتحاد شوروی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای است. غیرمتعهدها در بیانیه سیاسی خود خواهان توقف تولید و استقرار سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای شده‌اند.

بیانیه همچنین به بررسی بحران‌های منطقه‌ای در جهان می‌پردازد. اجلاس حراره، آپارتاید را ریشه بحران در جنوب آفریقا و

گفته‌های شنیدنی

وحشت و لیعهد از عاقبت کار

آیت الله حسینعلی منتظری: خدا را کواه و شاهد می‌گیرم، آن موقعی که در خبرگان اسم من مطرح شد و پس از طرح آن تلگرام‌ها و طومارها و نامه‌های زیادی از داخل و خارج برای من فرستاده شد، برای من یک نگرانی روحی به وجود آورد. و لذا با این که بر حسب عادت و عرف انسانی و عاطفی باید جواب متقابل می‌دادم و تشکر می‌کردم، ولی با خود گفتم وقتی مسئولیت و وظیفه سنگینی به عهده انسان و اگذار می‌شود، تبریک ندارد، بلکه تسلیت مناسب‌تر است.

(اطلاعات ۲۷- مرداد)

تابوده چنین بوده

هاشمی رفسنجانی:

"از کله‌هایی که بنی اسرائیل از حضرت موسی می‌کردند، این بود که می‌گفتند: قبل از آنکه شما بیایید، مادر زحمت بودیم و حالا هم که شما آمدید، زحمت می‌کشیم. پس آن وعده‌هایی را که خداوند فرمود، به ما بده. این مساله چیزی است که در زندگی همه انبیا بوده و پیروانشان دچار این مشکل می‌شدند. بنابر این معلوم می‌شود که اصلاً بنیان جوامع جز از طریق این مشکلات محکم نمی‌شود."

(اطلاعات ۵- شهریور)

یک طلبه نشاط انگیز=

یک میلیون نوار ویدئو

هاشمی رفسنجانی در دیدار با طلبه‌ها:

"شما طلاب واقعا نشاط انگیز هستید و نشاط انگیز واقعی خود شما هستید که بیشتر از یک میلیون نوار ویدئو که به جبهه یفرستید، موثر است. البته ویدئو هم خوب است، ولی حضور شما به اندازه یک میلیون ویدئو کار می‌کند."

(اطلاعات ۵- شهریور)

نویش هم باشه، این بار نویت...

سرمقاله نویس اطلاعات:

انصافاً طرف خطاب (خمینی، در سخنرانی اخیر) کیست؟ هر کس هست توجیه نکند. این دفعه را بپذیرد که طرف خطاب و اختار خود اوست، غصه هم نخورد، عجله هم نکند، ممکن است روز دیگری خدای ناکرده، امام سخنی بگویند که در آن روز طرف خطاب، حریف او باشد!

(اطلاعات ۱۲- شهریور)

قلعه حسن خان :

پیکره فلاکت

قلعه حسن خان به آن می‌انديشد. بسیاری از بیماران تنها زمانی که در شرف مرگ قرار گرفته باشند به نزد پزشکان خصوصی برده می‌شوند. در چنین وضعیتی هر بیماری ساده به آسانی می‌تواند به مرگ بیانجامد. مرگ و میر بویژه در میان کودکان غوغا می‌کند. سو، تغذیه، آلودگی محیط،

قلعه حسن خان در کیلومتر ۱۷ جاده قدیم تهران - کرج و در شرق شهریار واقع است. جمعیت این شهرک فقرزده در طول چهار سال گذشته به دو برابر افزایش یافته است، بطوریکه امروز بیش از ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد. اکثر ساکنین قلعه حسن خان کارگرند. این عده در واقع دهقانان زجر دیده‌ای هستند که از روستاهای اقصی نقاط کشور مهاجرت کرده و در این منطقه مسکن گزیده‌اند.

کسی که برای اولین بار پا به قلعه حسن خان می‌گذارد، تصور می‌کند همه چیز روی هم انباشته شده است. انگار آلونک ماه، مغازه‌های کوچک، بساط محقر دستفروشیها و آدم‌ها از سر و کول هم بالای روند. هنگام غروب در "سرقنات" که در خیابان اصلی شهرک واقع شده، به علت کثرت جمعیت جای سوزن انداختن نیست. در کوچه‌ها انبوه کودکان قدونیم قد درهم می‌لولند.

در قلعه حسن خان از پارک، سینما، تاتر، ورزشگاه و... خبری نیست. بزرگترین سرگرمی ساکنان قدم زدن در سرقنات می‌باشد که آنهم معمولاً به نوعی دست و پا زدن در خیابان جمعیت می‌ماند. در کنار خیابان دستفروشان بساط خود را پهن کرده‌اند. تعداد آنان چنان زیاد است که جای خالی در پیاده‌روها به چشم نمی‌خورد. کارگران اخراجی، از کار افتاده‌ها، کودکان و کسانی که به تازگی از روستا مهاجرت کرده در کنار هم دستفروشی می‌کنند و به سختی روزگار می‌گذرانند. بر تعداد محلات شهرک همچنان افزوده می‌شود. جدیدترین محله شهرک "کوه کرک" است. نمود دیگری از رنج، فقر، فلاکت.

برای ۷۰ هزار جمعیت قلعه حسن خان، تنها یک درمانگاه دولتی وجود دارد. مراجعین به این درمانگاه پس از ساعتها انتظار و معاینه سربابی چیزی جز چند قرص مسکن و امثال آن به دست نمی‌آورند. این درمانگاه همراه با چند مطب خصوصی، مجموعه امکانات درمانی این شهرک است. مراجعه به مطب خصوصی به کار پر تجملی می‌ماند که کمتر کسی از اهالی

خانه‌هایشان لوله‌کشی آب دارد نیز وضعیت بهتری ندارند. آنها هم ناچارند آب مصرفی را به همان‌گونه در توشه حیاط نگهداری کنند، زیرا که در طول شبانه روز در لوله‌ها تنها ۱۲ ساعت آب جریان دارد، آنهم با فشار بسیار کم. وقتی که این آب در این لوله‌ها به جریان می‌افتد و لوله‌ای در شهرک پرپامی شود عده در تفرقه‌هاست تا به هر ترتیبی که شده ظرف‌های خالی را از آب پر کنند. در طول روز آب مصرفی مردم از همین ظرف‌ها برداشت می‌شود.

بیشتر کوچه‌های قلعه حسن خان



خاکنی است. در چوهایکنداب چریان دارد. تل زباله در هر گوشه به چشم می‌خورد. شهرداری بابت خدمات شهری! همه ماهه ۶۰۰ ریال از هر خانوار پول می‌گیرد. خدمات شهری شهرداری هم تنها این است که هفته‌ای دوبار بخشی از زباله‌ها را از گوشه خیابانها جمع‌آوری کند.

خدمات آموزش و پرورش در منطقه دست کمی از شهرداری ندارد. کیفیت آموزش در اینجا همانند روستاهای کشور وضعیت اسفناکی دارد. درصد بیسوادان و کسانی که ترک تحصیل می‌کنند، هر روز بالاتر می‌رود. اکثر محصلینی که زیر فشارهای اقتصادی و فرهنگی ناچار به ترک تحصیل می‌شوند، عازم کارگاهها می‌گردند و یا به غل‌های کاذب رو می‌آورند. البته آنها که مشمولند، همواره در معرض یورش مزدوران رژیم برای اعزام به جبهه‌های مرگ هستند. امکانات آموزشی چنان نازل است که اکثر مدارس در سه نوبت کار

فقدان آب تصفیه شده و... از عوامل گسترده‌گی بیماری در این شهرک است. اکنون که برای افراد میانه‌حال میهن ما نیز تهیه آذوقه به دشواری صورت می‌گیرد، می‌توان دریافت تهیدستان قلعه حسن خان چه می‌کنند و چه می‌کنند. مساله اصلی این است که صف طولانی نانواهایی که طی شود تا از نان شب محروم نمانند. خوش شانس‌ترها هراز چندگاهی رنگ گوشت را می‌بینند. از میوه و این قبیل تجملات دیگر نباید صحبتی به میان آورد. گرسنگی مژمن فراگیر است.

برای ساکنین قلعه حسن خان تامین آب آشامیدنی نیز به دشواری صورت می‌گیرد. بخش بزرگی از خانه‌های قلعه حسن خان، فاقد لوله‌کشی آب هستند. ساکنین این خانه‌ها ناگزیرند آب را از جاهای دیگر فراهم کرده و در بشکه‌ها در گوشه حیاط خود نگهداری کنند. پیداست که این آب به کل آلوده است اما به هر حال تشنگی را فرو می‌نشانند. آنهایی که

می‌کنند: برخی دانش آموزان دوره ابتدایی مجبور می‌شوند در ساعت ۶ صبح در کلاس درس حاضر شوند. در مدارس از خانواده‌ها بابت ثبت نام فرزندانشان شهریه سنگینی می‌گیرند. برای مثال، بابت ثبت نام دانش آموزان سال اول ابتدایی ۱۶۰۰ ریال و دانش آموزان پنجم ابتدایی بیش از ۵۰۰۰ ریال دریافت می‌کنند.

امکانات ورزشی وضعی به مراتب بدتر از امکانات آموزشی دارد و تقریباً ناچیز است. تنها مکان ورزشی شهرک، زمین فوتبال کوچکی است که در ابتدای ورودی شهرک قرار دارد. جوانان و نوجوانان در آنجا جمع می‌شوند و ساعتها به انتظار می‌نشینند تا نوبتشان فرا رسد. تاکنون مامورین شهرداری چندین بار به این زمین هجوم آورده‌اند تا آن را در اختیار شهرداری بگذارند. اما با مقاومت جوانان روبرو شده و بناچار دست به عقب نشینی زده‌اند.

اهالی قلعه حسن خان سرپناه محقر خود را در ستیز مداوم با پاسداران رژیم جمهوری اسلامی بنا کرده‌اند. هر خشتی که آنان بر هم نهاده‌اند، در خود خاطره‌ای از مقاومت و پایداری دارد. حکومت فقها برای زحمتکشان این محله حق زیستن در یک سرپناه را هم انکار می‌کرد. خانه‌هایی که اینک در این محله بنا شده‌اند، نتیجه مبارزات به‌یکر مردم این محله در برابر پاسداران است. مقاومت اهالی این محل در برابر اکیپ‌های تخریب صحنه‌های شوهرندی از رزم مردم در برابر رژیم آفریده است. ایستادگی مردم طی دو سال اخیر همواره تهاجم ماموران را با شکست مواجه کرده است. پاسداران هنوز وقتی پایداری چنانچه مردم در آبان سال گذشته را به یاد می‌آورند از خشم به خود می‌پیچند. در قلعه حسن خان، هر روز بر تعداد گشت‌های کمیته افزوده می‌شود. شبها از ساعت ۱۰ به بعد حکومت نظامی برقرار می‌شود و هر تازیه واردی تحت کنترل و بازجویی قرار می‌گیرد. این تشبیهات رژیم بی‌سبب نیست. زیرا نفرت زحمتکشان قلعه حسن خان از حکومت فقها مدام فزونی می‌گیرد و گماشتگان حکومت فقها می‌کوشند با این تشبیهات بر مقاومت فزاینده مردم چیره شده، فقر و فلاکت را پاسداری کنند.

توافقات الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین

بدنبال گفتگوهایی که میان سازمانهای فلسطینی صورت گرفت و گزارش آن در شماره های پیشین "اکثریت" آمد، سازمان الفتح، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کمونیست فلسطین بر اساس یک برنامه ۱۱ ماده ای به توافق رسیدند. در بیروت، سازمان الفتح با صدور بیانیه ای رسالتو توافق فوریه ۱۹۸۵ میان یاسر عرفات و ملک حسین را اعلام داشت. لغو این موافقتنامه، از سوی سازمانهای چپ فلسطینی شرط مرگونه توافقی با الفتح اعلام شده بود.

در اعلامیه که بدین مناسبت از سوی الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین امضا شده، آمده است توافقی (۱ فوریه ساف-اردن دیگر به قوت خود باقی نیست و اساس و پایه سیاست ساف را چه در رابطه با مسئله فلسطین، چه در سطح عربی و چه

در سطح بین المللی تشکیل نمی دهد. اعلامیه می افزاید روابط ساف و اردن بر اساس قطعنامه کنفرانس ۱۹۷۴ سران عرب استوار است. در این اعلامیه همچنین آمده است سازمان آزادیبخش فلسطین تنها نماینده قانونی خلق فلسطین است. اعلامیه بر ضرورت تشکیل یک دولت فلسطینی در سرزمینهایی که باید از اشغال اسرائیل آزاد شود، تاکید می ورزد.

بر اساس اعلامیه مشترک سه گروه فلسطینی (الفتح، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست)، در جریان گفتگوهایی که از اول تا پنجم سپتامبر جاری در پراگ صورت گرفت، سه گروه برای احیای وحدت ساف یک بیانیه پانزده ماده ای تنظیم کرده اند. بیانیه، برنامه سیاسی ۱۹۷۴ ساف را همچنان معتبر دانسته و نسبت به قطعنامه های شورای ملی (پارلمان در تبعید) فلسطین اظهار وفاداری کرده است. بیانیه می افزاید شورای ملی فلسطین باید با شرکت همه گروهها و شخصیت های فلسطینی برقرار شود. سه گروه امضا کننده بیانیه، همه راه حل های جداگانه و به ویژه طرح کمب دیوید و طرح ۱۹۸۲ ریکان را محکوم کرده اند. الفتح، جبهه

دمکراتیک و حزب کمونیست فلسطین قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را که مسئله فلسطین را تنها در رابطه با آوارگان فلسطینی مطرح می کند، پاسخگوی منافع ملت فلسطین نمی دانند.

بیانیه سه گروه مزبور خواستار برپایی یک کنفرانس بین المللی خاور نزدیک با شرکت ساف به عنوان تنها نماینده خلق فلسطین شده است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین (به رهبری جرج حبش) در توافقی سه گروه فلسطینی شرکت ندارد و تاکنون در این باره موضعی اعلام نکرده است. در دمشق گروه ابوموسی (منشعب از الفتح) با توافقی سه جانبه اعلام مخالفت نمود.

ملاقات پرنز-مبارک

شیمون پرنز نخست وزیر اسرائیل پنج شب گذشته در قاهره با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر دیدار و گفتگو کرد. طرفین در این ملاقات درباره روابط دو جانبه مصر و اسرائیل به مذاکره پرداختند. در آستانه اتمام گفتگوها، رسانده های گروهی امپریالیستی اخباری حاکی از احتمال عدم اتمام سفر پرنز به مصر به علت اختلافات در طرف در مورد نوار مرزی طابا در شبه جزیره سینا که همچنان تحت اشغال اسرائیل است، منتشر کردند. اما در آخرین لحظات اعلام شد دو طرف توافق کرده اند کمیسیون سه نفره ای در مورد سرنشت طابا و تعلق آن به مصر یا اسرائیل در آینده، تصمیم بگیرد.

پس از دیدار پرنز-مبارک که نخستین ملاقات رهبران مصر و اسرائیل از اکتبر ۱۹۸۱ بدین سوید، در قاهره اعلام شد طرفین در مورد راه حل مسائل خاور نزدیک به توافقی نرسیده اند. به گزارش خبرگزاریها، شیمون پرنز حتی حاضر نشد توافقی قبلی با مصر در مورد اعطای "خودمختاری" به فلسطینی های ساکن مناطق اشغالی در چارچوب اردن را نیز مورد تاکید مجدد قرار دهد. با این حال اسرائیل به هدف خود از برگزاری این ملاقات دست یافت. طرفین اعلام کردند سفرای دو کشور که به دنبال تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ از پایتخت های اسرائیل و مصر فراخوانده شده بودند، به محل ماموریت خود باز خواهند گشت.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در آستانه دیدار پرنز از قاهره همه تلاشها به منظور "حل" مسئله خاور نزدیک از طریق موافقتنامه های دو جانبه و جداگانه را محکوم کرده آن را مغایر با منافع ملل عرب دانست.

اخبار کوتاه

* میخائیل گارباجف دبیرکل حزب کمونیست شوروی در مصاحبه ای با "رودیروو" ارگان حزب کمونیست چکسلواکی گفت تنها به شرطی حاضر به ملاقات با ریکان است که از این ملاقات، نتایج مشخص حاصل گردد. گارباجف همچنین اظهار داشت اقدامات دولت آمریکا در جهت دامن زدن به مسایقه تسلیحاتی و کشاندن آن به فضا، عملاً تدارک یک جنگ جهانی محسوب می شود.

* بی نظیر بوتو رهبر حزب مردم پاکستان که بدنبال تقاضات چندی پیش در این کشور بازداشت شده بود، همراه با سایر بازداشت شدگان از زندان آزاد شد.



ماموران پلیس مخفی پینوشه در حال دستگیری چند دانشجو که پس از اعلام حکومت نظامی به سفارت هلند پناه برده بودند.

سندیکیایی بازداشت شده اند. یک روزنامه نگار متری بنام خوزه کاراسکو توسط افراد ناشناس ربوده شد و سپس جنازه وی در یک پارک در سانتیاگو پیدا شد. ردهای سازمان امنیت پینوشه در این قتل دیده می شود.

خنکوی جبهه مانوئل رودریگز ملی مصاحبه ای در دفاع از این عملیات اظهار داشت کشتن بزرگترین قاتل آمریکای لاتین عادلانه است. وی خاطرنشان ساخت که این اقدام آخرین اقدام از این نوع نخواهد بود. وی افزود که اعلام حکومت نظامی ربطی به این اقدام نداشت. ما اطلاع دقیق داشتیم که تصمیم به اعلام حکومت نظامی در روز ۱۱ و یا ۱۸ سپتامبر، گرفته بود. ما با این کار قصد داشتیم از آن جلوگیری کنیم. سخنگوی جبهه درباره علت نافرجام ماندن این عملیات گفت ما از درون ارتش اطلاعات دقیقی راجع به مسیر حرکت پینوشه کسب کرده بودیم. منتها در روز عملیات، اتومبیل حامل پینوشه بجای ردیف وسط به آخر کاروان منتقل گردید. در این مصاحبه هم چنین گفته شد که در جبهه مانوئل رودریگز کمونیست ها، سوسیالیست ها و حتی دمکرات های مسیحی عضویت دارند.

در روز یکشنبه هفتم سپتامبر واحدی از افراد مسلح جبهه مانوئل رودریگز به کاروان اتومبیل هایی که ژنرال اکوستینو پینوشه دیکتاتور شیلی را از محل اقامت بیلاقی اش به سانتیاگو منتقل می کرد، حمله بردند. در این واقعه هفت تن از محافظین دیکتاتور به هلاکت رسیدند و دوازده نفر دیگر به شدت مجروح شدند. سه اتومبیل همراهان پینوشه به کلی در آتش سوختند. اما خود پینوشه به هلاکت نرسید و تنها جراحات مختصری برداشت.

در پی این واقعه، عصر روز یکشنبه ۷ سپتامبر به وقت شیلی، رژیم پینوشه در سراسر کشور برای ۹۰ روز اعلام حکومت نظامی کرد. مقررات حکومت نظامی برای مقامات رژیم اختیارات تقریباً نامحدودی پیش بینی می کند. تمام نقاط مهم سانتیاگو پایتخت شیلی بلافاصله پس از اعلام حکومت نظامی، از سوی ارتشیان تادان مسلح اشغال شد. نظامیان در شهر و حومه سانتیاگو عملیات گسترده دستگیری به راه انداختند. در میان بازداشت شدگان، نام جرمان کوررا، رهبر "جنگش دمکراتیک توده ای" و ریکارد ولاگوس از رهبران "اتحاد دمکراتیک" که عضو حزب دمکرات مسیحی است، دیده می شود. همچنین تعدادی از روزنامه نگاران و فعالین

حمله به سینه پاریس را محکوم می‌کنیم

در روز جمعه ۲۱ مرداد نیروهای پلیس ضد شورش دولت فرانسه به محل سینه دانشگاه پاریس حمله کردند و به نحوی وحشیانه ایرانیان حاضر در این محل را مورد ضرب و شتم قرار دادند. تهاجم پلیس فرانسه به سینه کام دیگری است که در جهت تشدید تضییقات برای سازمانهای سیاسی ایرانی در فرانسه برداشته می‌شود. سازمانهای سیاسی ایرانی در روزهای معینی در هفته، در محل سینه دانشگاه پاریس، با گذاشتن میز کتاب اقدام به ارائه و توزیع نشریات و اعلامیه‌های خود می‌نمایند. علیرغم محدودیت‌هایی که از جانب مقامات دولتی و دانشگاهی تحمیل شده است و با وجود اخلاقی‌های بعضی از دستجات نظیر جناح نوکل، نیروهای مترقی ایرانی این امکان را حفظ کرده اند که در این محل به فعالیت‌های افشاگرانه علیه رژیم خمینی ادامه دهند.

با تهاجم پلیس ضد شورش فرانسه به سینه، عده‌ای از ایرانیان حاضر در محل شدیداً مجروح گردیدند. افراد پلیس کتابها و وسائل را ضبط کرده و با خود بردند. آنها حتی اوراق هویت افرادی چند را از جیبشان بیرون کشیده و به سرعت بردند.

رفتار پلیس فرانسه در روز ۲۱ مرداد که جلوه‌ای از سرشت تبهکارانه دولتهای امپریالیستی است در عین حال آشکار می‌سازد که آنها چگونه در صدد هرچه تنگ‌تر کردن دایره فعالیت نیروهای مبارز ایرانی هستند و در این راه از کاربرد سواترین روشها نیز ابایی ندارند. عطف توجه سازمانهای سیاسی مترقی ایرانی به این حقیقت اکنون ضرورت هرچه بیشتری می‌یابد.

ما، تهاجم پلیس فرانسه به فعالین سازمانهای سیاسی ایرانی در سینه پاریس و هرگونه اقدامی را که در راستای محدود ساختن فعالیت نیروهای مبارز ایرانی، از جمله در محیطهای دانشگاهی، صورت می‌گیرد بشدت محکوم می‌کنیم. فدائیان خلق در جهت مقابله با این تضییقات و تحمیلات فزاینده، از کوشش‌های همبسته نیروهای مترقی ایرانی، برای بهره‌گیری از امکاناتی که در این قبیل کشورها با مبارزات دیرینه نیروهای دمکراتیک فراهم آمده است، فعلاانه پشتیبانی می‌کنند.

کنفرانس حراره: رویدادی برجسته

* سمت گیری ضد امپریالیستی جنبش عدم تعهد

در اجلاس حراره مورد تاکید قرار گرفت

* تقریباً همه ۶۲ سخنران اجلاس، ابتکارها و

اقدامات عملی اتحاد شوروی در زمینه صلح

و خلع سلاح را مورد پشتیبانی قرار دادند



تقریباً همه ۶۲ سخنران اجلاس، از ابتکارها و اقدامات عملی اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح، از موراتوریوم یکجانبه شوروی در زمینه انفجارهای هسته‌ای و از برنامه ارائه شده توسط رهبر اتحاد شوروی برای محور سلاح‌های هسته‌ای تا سال ۲۰۰۰ اعلام پشتیبانی کردند. بدین ترتیب، اجلاس حراره نشان داد "تهاجم صلح" کشورهای سوسیالیستی در تمام قاره‌ها ریشه دوانده است. کنفرانس هشتم غیرمتعهد، نشانگر افزایش نفوذ و تقویت مواضع نیروهای صلح‌دوست و بقیه در صفحه ۹

اما هر چند سازماندهی و برگزاری موفقیت‌آمیز اجلاس، به نوبه خود قابل توجه است، آنچه کزدهایی حراره را به رویدادی برجسته تبدیل کرد، مصوبات اجلاس و موضع‌گیری‌های سران کشورها و دولت‌های غیرمتعهد بود. در مقایسه با هفتمین کنفرانس سران که سه سال پیش در دهلی برگزار شد، شمار بسیار بیشتری از نمایندگان کشورهای عضو جنبش، مهمترین مسئله بشریت، یعنی امر صلح و خلع سلاح و جلوگیری از فاجعه جنگ هسته‌ای را محور اظهارات و موضع‌گیری‌های خود قرار دادند.

زیمبابوه نوین، می‌تواند به خود بباند. حراره، پایتخت این کشور آفریقایی، شش سال پس از استقلال، شاهد یک رویداد برجسته بود. دولت رابرت موگابه، نخست‌وزیر زیمبابوه و رئیس جدید جنبش غیرمتعهد، در حالی که کمتر از یک سال فرصت برای تدارک چنین کزدهایی عظیمی داشت، علیرغم مشکلات زیادی که زیمبابوه نواستقلال با آن روبروست، توانست با بهره‌گیری از حمایت‌های وسیع توده‌ای، سازماندهی کنفرانس را به بهترین وجه انجام دهد.

جشن ارگان حزب کمونیست اتریش، آئینه همبستگی مبارزاتی خلقها

علاوه بر این با کار مشترک رفقای فدائی و توده‌ای غرقه "کار" و "نامه مردم" بر پا گردید. شعار بزرگ "مرگ بر خمینی" که همراه با شعارهای رزمجویانه دیگری در این غرفه نصب شده بود، آرزوی مردم ایران را در براندازی رژیم منحوس خمینی انعکاس می‌داد.

حزب دمکرات کردستان ایران نیز با شرکت در این جشن به بازتاب مبارزه خلق کرد علیه سیاستهای ضدملی حکومت فقها پرداخت.

جشن "صدای خلق" غرض دیگری از همبستگی مبارزاتی خلقهای جهان بود. این جشن در فضایی شورانگیز پایان یافت.

به ابتکار حزب کمونیست اتریش، در محل برگزاری مراسم، "دهکده ضد امپریالیستی" برپا گردید. در برپایی این دهکده احزاب کمونیست و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست از سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین فعالانه شرکت داشتند.

فدائیان خلق در اتریش از جمله نیروهای شرکت‌کننده در این جشن بودند که برای پیشبرد برنامه‌های جشن با همه توان خویش تلاش کردند. رفقای فدایی با پخش وسیع اعلامیه‌های فارسی و بولتن اطلاعاتی به زبان آلمانی، بازدیدکنندگان ایرانی و خارجی جشن را در جریان آخرین رویدادهای سیاسی ایران قرار داده و آنها را با کوشه‌هایی از نبرد فدائیان خلق علیه تبهکاری‌های رژیم جمهوری اسلامی آشنا کردند. فدائیان خلق همچنین با اجرای برنامه‌های هنری به سم خویش بر شکوه و زیبایی جشن افزودند.

چهل و یکمین سالگرد انتشار روزنامه "صدای خلق" ارگان حزب کمونیست اتریش در روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت با شرکت هزاران تن و در فضایی سرشار از عمیق‌ترین احساسات انترناسیونالیستی جشن گرفته شد.

"صدای خلق" آئینه رزم پیگیر کمونیست‌های اتریش در راستای صلح و سوسیالیسم است. این روزنامه پیکار خلق‌های ستمکش کیتی علیه بیداد و غارتگری امپریالیسم و ارتجاع را بازتاب می‌دهد. ارگان حزب کمونیست اتریش در همبستگی با مبارزات مردم ایران در راه صلح و دمکراسی، کوشش ویژه‌ای مبذول داشته و برای آگاهی مردم اتریش از جنایات رژیم ضد مردمی خمینی تلاش ورزیده است.

جشن اسمال "صدای خلق" جشن همصدایی بشریت مترقی برای حفظ صلح در جهان بود. در این جشن پیکار نیروهای ترقیخواه و صلح‌دوست علیه مفسده‌جویی‌های جنگ طلبانه محافل امپریالیستی بازتاب یافت.

AKSARIYAT
NO. 124
MONDAY SEP 15 '86
Address: **RUZBEH**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY